

نگاهی به زندگی و فعالیت‌های علمی ابن فوطی

تألیف مجمع الآداب و ارتباط با جامعه روشنفکران

ریو میزوکامی (Ryo Mizukami)

چکیده:

کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق معروف به ابن صابونی یا ابن فوطی، از مورخان و راویان حدیث در دوران حکومت ایخانیان است. از جمله آثار او می‌توان به مجمع الآداب فی معجم اللقب، اشاره کرد که در زمره تراجم بزرگ قرار می‌گیرد و علی‌رغم از میان رفتن بخش‌های زیادی از آن، اطلاعات مهمی را در دسترس قرار می‌دهد. در میانه شرح حال‌های موجود در مجمع الآداب، نکاتی از زندگانی خود ابن فوطی نیز آشکار می‌گردد. با توجه به این نکات، چگونگی زندگی و فعالیت‌های علمی ابن فوطی، منابع تألیف این کتاب و نیز شرایط اجتماعی، علمی و دینی زمان او آشکار می‌شود. نویسنده، نوشتار حاضر را با ارائه پیشینه مختصری از پژوهش‌های انجام شده پیرامون ابن فوطی و آثار وی، آغاز می‌کند. به زعم وی، علی‌رغم اذعان پژوهشگران معاصر به اهمیت کتاب مذکور و استفاده فراوان از آن در تحقیقات گوناگون، تاکنون در مورد شرایط زندگی ابن فوطی و مشخصه‌های کتاب مجمع الآداب، تحقیقی جامع صورت نگرفته است. از این رو، وی در نوشتار خود، سه مسئله محوری را در دستور کار قرار داده است: ترسیم تصویری کلی از حیات ابن فوطی، ساختار، منابع و مشخصه‌های مجمع الآداب، و فعالیت‌های علمی ابن فوطی و ارتباطات وی با دانشمندان و جامعه روشنفکران معاصر خود.

کلیدواژه‌ها:

زندگی نامه، فعالیت‌های علمی، ابن فوطی، مجمع الآداب فی معجم اللقب، ابن صابونی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق، راویان حدیث، ایخانیان.

مقدمه

کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد بن محمد بن احمد شبیبانی بغدادی، معروف به ابن صابونی یا ابن فوطی (۶۴۲-۷۲۳ ق.) از مورخان و راویان حدیث در دوران حکومت ایخانیان است. از جمله آثار او می‌توان به مجمع الآداب فی معجم اللقب اشاره کرد که در زمره تراجم بزرگ قرار می‌گیرد و علی‌رغم از میان رفتن بخش‌های زیادی از آن، اطلاعات مهمی را در دسترس قرار می‌دهد. با توجه به مطالب موجود در این کتاب و نیز با علم به روابط نزدیک ابن فوطی با مراکز قدرت زمان خود، می‌توان دریافت که وی شاهد صحنه‌های مهمی از وقایع قرون هفتم و هشتم در ایران و عراق بوده که مهم‌ترین آنها از این قرار است: دربار مستعصم آخرین خلیفه عباسی، سقوط بغداد به وسیله هولاکو (سلطنت ۶۵۱-۶۶۳)، رصدخانه و پژوهش‌های نصیرالدین طوسی در مراغه، احوال دانشمندان شیعی و یهودی، قدرت سیاسی برادران جوینی، تألیف جامع التواریخ توسط رشیدالدین همدانی و دربار سلطان اولجایتو (سلطنت ۷۰۳-۷۱۶).

در میانه شرح حال‌های موجود در مجمع الآداب، نکاتی از زندگانی خود ابن فوطی نیز آشکار می‌گردد. به توجه به این نکات، به چگونگی زندگی و فعالیت‌های علمی وی، منابع تألیف این کتاب و نیز شرایط اجتماعی، علمی و دینی زمان پی می‌بریم.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگرانی چند در مورد ابن فوطی و آثار وی تحقیقاتی را انجام داده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها

۱. یکی از مشکلاتی که در مواجهه با این کتاب رخ می‌نماید، مشخص نبودن نام دقیق آن است. مصحح این کتاب مصطفی جواد عنوان آن را «تلخیص مجمع الآداب» تعیین کرده است (ابن فوطی؛ تلخیص مجمع الآداب فی معجم اللقب؛ تصحیح مصطفی جواد؛ دمشق: وزارت الثقافة و ارشاد القومی، ۱۹۶۲-۶۷ م، ۴ ج) ولی همان‌طور که خود جواد توضیح می‌دهد، در نسخه خطی این کتاب که به خط خود ابن فوطی نوشته شده است، هم «تلخیص مجمع الآداب» و هم «مجمع الآداب» به عنوان نام کتاب ذکر شده است (ص ۶۷-۶۸). علاوه بر این مورخان معاصر ابن فوطی به این «تلخیص» اشاره‌ای نکرده‌اند. از این رو در این مقاله موقتاً عنوان آن همان گونه که مصحح بعدی محمد کاظم نوشته، «مجمع الآداب» قرار داده شده است.

خصوص این موضوع کتاب‌هایی نوشته‌اند.^{۱۱}

علی‌رغم اذعان پژوهشگران معاصر به اهمیت این کتاب و استفاده فراوان از آن در تحقیقات گوناگون، تاکنون در مورد شرایط زندگی ابن فوطی و مشخصه‌های کتاب مجمع الآداب تحقیقی جامع و مفصل صورت نگرفته است. از این رو سه مسئله محوری در دستور کار این نوشتار قرار گرفته‌اند: ۱. ترسیم تصویری کلی از حیات ابن فوطی ۲. منابع مجمع الآداب و مشخصه‌های آن ۳. فعالیت‌های علمی ابن فوطی و ارتباطات وی با دانشمندان معاصر خود.

نمایی از زندگی ابن فوطی

زندگی‌نامه ابن فوطی با شرح حال‌های بسیاری در مجمع الآداب قابل استنباط است. بر مبنای این اطلاعات، می‌توان شمایی از حیات او را بازسازی کرد. فهرست شماره ۱ بیانگر زمان، مکان و دفعات دیدارهای او از مناطق مختلف است.^{۱۲} در این پژوهش شرح حال ابن فوطی بر اساس این فهرست تهیه شده است.

مصطفی جواد در دیباچه تصحیح تلخیص مجمع الآداب و زکیه الدیلمی و حمود سلمان نیز در رساله‌هایشان، به تفصیل به شرح زندگانی ابن فوطی پرداخته‌اند.^{۱۳} در این فصل بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، شرح حال ابن فوطی در چهار بخش بیان خواهد شد. اول: از ولادت تا سقوط بغداد و اسارت وی (۶۴۲-۶۵۹)، دوم: روزگار زندگی در مراغه (۶۶۰-۶۷۷)، سوم: مراجعت به بغداد (۶۷۸ یا ۶۷۹-۷۰۳) و چهارم: سفرهای مکرر و خدمت به سلطان اولجایتو (۷۰۴-۷۲۳).

فهرست تعداد دیدار سالانه در شهرها «مبلغ» شامل است از عدد «بار» و عدد دیداری که اسم شهر نامعلوم است.

سال	شهر	بار	مبلغ
قبل از ۶۵۶	بغداد	۱۰	۱۰
۶۵۷	تبریز	۱	۳
۶۵۸			۱
۶۵۹	اهرواروی	۱	۲
۶۶۰			۰
۶۶۱			۰

۱۱. الدیلمی، زکیه حسن ابراهیم؛ المؤرخ البغدادی ابن الفوطی و کتابه: التلخیص مجمع الآداب فی معجم الاقبا؛ بغداد: عاصمة الثقافة العربية، ۲۰۱۳ م و سلمان، حمود مضعان عیال؛ ابن الفوطی مؤرخا، عمان: وزارة الثقافة؛ ۲۰۱۴ م.
 ۱۲. اخیراً دو تاریخ درباره زمان بازگشت وی به بغداد ذکر شده است: سال ۶۷۸ و سال ۶۷۹. در مجمع الآداب عباراتی همچون «در سالی که من به بغداد بازگشتم...» بسیار است. در این فهرست موافق نظریه جواد، تاریخ این واقعه سال ۶۷۹ تلقی شده است.
 ۱۳. ابن فوطی، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الاقبا، ج ۱، ص ۴۰-۹؛ الدیلمی، المؤرخ البغدادی ابن الفوطی و کتابه، ص ۹-۶۱ و سلمان، ابن الفوطی مؤرخا، ص ۲۹-۵۰.

می‌توان به مقاله محمد اقبال اشاره کرد. وی شرح حال ابن فوطی را بر مبنای تراجمی که پس از قرن هشتم نگاشته شده‌اند به رشته تحریر درآورد و علاوه بر آن نسخه‌ای از کتاب مجمع الآداب به خط مؤلف را که در لاهور یافت شده بود معرفی نمود.^۲ علاوه بر این پژوهشگران دیگری همچون الشیبی،^۳ وایزمن^۴ و گیلی-ایلو،^۵ بر مبنای تاریخی با عنوان «الحوادث الجمعه» یا «کتاب الحوادث» به تحقیق در خصوص ابن فوطی پرداخته‌اند. آنها این اثر را یکی از تألیفات او به شمار آورده و برای تحقیق درباره تاریخ عراق در قرن هفتم از آن استفاده کرده‌اند، اما هنوز درباره صحت انتساب این کتاب به ابن فوطی تردیدهایی وجود دارد.^۶

جریان تصحیح مجمع الآداب و تحقیق در خصوص آن جریان پیچیده و چندمرحله‌ای است.^۷ مصطفی جواد نسخه خطی اصل (دستنویس مؤلف) این کتاب را که القاب آغاز شده با «ع» تا «ق» را در برمی‌گیرد در دمشق یافته و به تصحیح آن پرداخت و بر مبنای اطلاعات همین نسخه، شرح حالی از ابن فوطی تهیه کرد. از طرف دیگر محمد عبدالقدوس القاسمی در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ م نسخه‌ای اصل در لاهور را شامل لقب‌هایی که از «ک» تا «م» آغاز می‌شوند، تصحیح کرده و در مجله دانشگاه لاهور، «Oriental Collage Magazine»، به چاپ رساند. سرانجام محمدکاظم با کنار هم گذاشتن این دو تصحیح، نسخه واحدی از کتاب را در تهران منتشر کرد.^۸

در سال‌های اخیر، دیویس به بررسی شرایط فرهنگی دوره ایلخانی^۹ و جعفریان به پژوهش در حیات علمی آن دوران بر اساس اطلاعات موجود در مجمع الآداب پرداخته‌اند.^{۱۰} علاوه بر این زکیه حسن ابراهیم الدیلمی در بغداد و حمود مضعان عیال سلمان در عمان نیز در

۲. Iqbal, Mohammad, "Ibn al-Fuwaṭī," Islamic Culture: The Hyderabad Quarterly. ۲, ۱۹۳۷, pp. ۵۱۶-Review, ۱۱-۴-۵۲۲.

۳. الشیبی، محمدرضا؛ مؤرخ العراق ابن الفوطی؛ بغداد: مطبعة تفتیش، ۱۹۵۰ م، ج ۲.

۴. Weissman, Keith, "Mongol Rule in Baghdad: Evidence from the Chronicle of Ibn al-Fuwaṭī: 656 to 700 A.H./ 1258 to 1301 C.E.," unpublished Ph.D dissertation, The University of Chicago, 1990.

۵. Gilli-Elewy, Hend, *Baghdad nach dem Sturz des Kalifats: Die Geschichte einer Provinz unter ilhānischer Herrschaft (656-735/1258-1335)*, Berlin: Klaus Schwarz Verlag, 2000; "Al-Ḥawādīṭ al-ġāmi'a: A Contemporary Account of the Mongol Conquest of Baghdad, 656/1258," *Arabica*, 58, 2011, pp. 353-371.

۶. جواد این کتاب را جزو آثار ابن فوطی نیارده است (ابن فوطی، تلخیص مجمع الآداب، ج ۱، ص ۶۲-۶۶).

۷. DeWeese, Devin, "Cultural Transmission and Exchange in the Mongol Empire: Notes from the Biographical Dictionary of Ibn al-Fuwaṭī," in *Beyond the Legacy of Genghis Khan*, ed. Linda Komaroff, Leiden & Boston: Brill, 2006, pp. 11-29.

در مورد جریان تصحیح مجمع الآداب، مخصوصاً ص ۱۱-۱۲.

۸. ابن فوطی، مجمع الآداب، تصحیح محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، در این مقاله، عمدتاً از این چاپ استفاده شده است.

۹. DeWeese, Devin, "Cultural Transmission and Exchange in the Mongol Empire: Notes from the Biographical Dictionary of Ibn al-Fuwaṭī."

۱۰. جعفریان، رسول؛ «مراغه: کانون تمدنی عصر ایلخانی: پژوهشی بر پایه کتاب مجمع الآداب فی معجم الاقبا ابن فوطی»؛ پژوهش‌های علوم تاریخی، ۲-۱، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۹-۶۹.

سال	شهر	بار	مبلغ
۶۹۵			۰
۶۹۶	بغداد	۵	۷
۶۹۷			۱
۶۹۸	بغداد	۱	۲
۶۹۹	بغداد	۱	۱
۷۰۰			۱
۷۰۱	بغداد	۲	۲
۷۰۲			۰
۷۰۳			۰
۷۰۴	بغداد تبریز اوجان همدان	۱ ۲ ۱ ۱	۷
۷۰۵	تبریز اران اوجان سراو	۱ ۱۰ ۶ ۱	۲۰
۷۰۶	تبریز سلطانیه موقان	۱۰ ۵ ۱	۱۷
۷۰۷	بغداد تبریز سلطانیه اوجان	۱ ۲ ۴ ۱	۱۱
۷۰۸	بغداد	۲	۲
۷۰۹	بغداد	۱	۱
۷۱۰	بغداد محول سلطانیه	۱ ۱ ۱	۳
۷۱۱			۰
۷۱۲	بغداد	۲	۲
۷۱۳			۰
۷۱۴	غزاییه بغداد	۲ ۲	۵
۷۱۵			۱
۷۱۶	بغداد سلطانیه	۲ ۲	۱۲
۷۱۷	سلطانیه		۲
۷۱۸			۰
۷۱۹	بغداد		۱
۷۲۰	بغداد	۱	۱
۷۲۱			۰
۷۲۲	بغداد	۱	۱

سال	شهر	بار	مبلغ
۶۶۲	مراغه	۱	۱
۶۶۳	مراغه	۴	۴
۶۶۴	مراغه تبریز	۶ ۱	۷
۶۶۵	مراغه تبریز	۶ ۱	۷
۶۶۶	مراغه	۶	۶
۶۶۷	مراغه	۵	۵
۶۶۸	مراغه	۶	۶
۶۶۹	مراغه تبریز	۳ ۱	۴
۶۷۰	مراغه تبریز	۱۳ ۱	۱۴
۶۷۱	مراغه	۴	۴
۶۷۲	سراو	۳	۳
۶۷۳	تبریز	۱	۱
۶۷۴	تبریز	۲	۲
۶۷۵	مراغه تبریز	۱ ۴	۶
۶۷۶	مراغه	۲	۲
۶۷۷	تبریز	۲	۲
۶۷۸	بغداد	۴	۴
۶۷۹	بغداد	۴۳	۴۹
۶۸۰	بغداد	۷	۱۴
۶۸۱	حله کوفه	۴ ۲	۸
۶۸۲			۰
۶۸۳	بغداد	۲	۱۰
۶۸۴	بغداد	۱	۱
۶۸۵	بغداد	۱	۲
۶۸۶			۰
۶۸۷	بغداد حله	۴ ۱	۵
۶۸۸	بغداد	۱	۱
۶۸۹	بغداد	۲	۲
۶۹۰	بغداد	۲	۳
۶۹۱	بغداد	۷	۸
۶۹۲	بغداد	۱	۱
۶۹۳			۰
۶۹۴	بغداد	۱	۱

الف) از تولد تا سقوط بغداد و اسارت (۶۴۵-۶۵۹)

بنا به گفته شمس‌الدین ذهبی، مورخ شامی قرن هشتم (ت ۷۴۸)، ابن فوطی در سال ۶۴۲ ق در بغداد به دنیا آمد.^{۱۴} اگرچه به گفته محمد اقبال و مصطفی جواد، وی از خانواده‌ای حنبلی بوده است، اطلاع دقیقی در مورد مذهب خانواده وی در دست نیست. تنها علمای حنبلی که به مذهب ابن فوطی و خانواده او اشاره کرده‌اند، ابن رجب (ت ۷۹۵)، علیمی (ت ۹۲۸) و ابن عماد (ت ۱۰۸۹) هستند که وی را معتقد به مذهب حنبلی دانسته‌اند.^{۱۵} از شرح حال دایی پدر ابن فوطی و اطلاعات پراکنده‌ای که از پدر او در دست داریم، حداقل آشکار می‌گردد که او در خانواده‌ای با گرایش‌های تسنن ولادت یافته و در محیطی علمی رشد کرده است.^{۱۶}

قبل از سقوط بغداد، بزرگ‌ترین استاد ابن فوطی محیی‌الدین یوسف (۵۸۰-۶۵۶)، پسر عالم حنبلی ابن جوزی (ت ۵۹۷) بود. محیی‌الدین در زمان خلیفه مستنصر (خلافت ۶۲۳-۶۴۰) به عنوان اولین مدرس حنبلی مذهب مدرسه مستنصریه تعیین شد و سپس در زمان آخرین خلیفه عباسی، مستعصم (خلافت ۶۴۰-۶۵۶) به عنوان مدرسی حنبلی در مدرسه بشیریه بغداد فعالیت می‌کرد. علاوه بر این او به همراه ابن علقمی شیعی (ت ۶۵۶) در خدمت خلیفه مستعصم، استاد الدار بود.^{۱۷} ابن فوطی در بشیریه زیر نظر محیی‌الدین درس می‌خواند.^{۱۸} ذهبی نیز استاد ابن فوطی را محیی‌الدین جوزی نوشته است.^{۱۹}

مسیر زندگی ابن فوطی به علت حمله مغول و سقوط بغداد در سال ۶۵۶ بسیار تغییر کرد. دایی پدرش موفق‌الدین و استادش محیی‌الدین و احتمالاً پدرش تاج‌الدین در همان واقعه کشته شدند.^{۲۰} لشکر مغول ابن فوطی و برادر او، بهاء‌الدین عبد الوهاب را دستگیر کرده و به آذربایجان بردند. وی در سال ۶۵۷ در آذربایجان با حاکم تبریز، مجدالدین عبدالمجید (محمد) مواجه شد و از او لباس و مقداری درهم گرفت.^{۲۱} مجدالدین عبدالمجید قبل از سقوط بغداد به خدمت نخستین ایلخان، هولاکو حاضر شده بود^{۲۲} و بعد از آن واقعه او برای ساختن بنایی برای حفاظت گنجینه به آذربایجان برگشت.^{۲۳} در همین سال ابن فوطی تحت حمایت یک صوفی به نام قطب‌الدین عبدالقادر اهری بود. وی در بیان شرح حال قطب‌الدین به توصیف شرایط خود در حال اسارت پرداخته است: «رایته سنة سبع و خمسين [و ستمائة] و كنت اسيراً فدعالي وانفذني الي كلبيرالي صاحبه شمس الدين حبش الفخار فأقمت تحت كنفهم مدية».^{۲۴}

بنا به گفته ابن فوطی، قطب‌الدین اهری در همان سال فوت کرد. همان گونه که مصطفی جواد اشاره کرده،

۱۴. ذهبی؛ کتاب تذکره الحفاظ، تصحیح وزارة المعارف للحكومة العالیة الهندیة؛ حیدرآباد: دایرة المعارف العثمانیة، ۱۹۵۶-۵۸ م، ج ۴، ص ۱۴۹۳ و ذهبی؛ تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام؛ تصحیح عمر عبد السلام تدموری؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۸۷-۹۹ م، ج ۵۳، ص ۲۱۱. ۱۵. ابن رجب؛ کتاب ذیل علی طبقات الحنابلة؛ تصحیح محمد حامد فیقی؛ قاهره: مطبعة السنة المحمدیة، ۱۹۵۲-۵۳ م، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ مجیرالدین العلیمی؛ المنهج الاحمدی فی تراجم اصحاب لاهام احمد؛ تصحیح عبد القادر الاناؤوط و محمود الاناؤوط؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۹۷ م، ج ۵، ص ۱۲-۱۳؛ ابن عماد؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ تصحیح عبد القادر الاناؤوط و محمود الاناؤوط؛ بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۸۶-۹۳ م، ج ۸، ص ۱۰۸-۱۱۰. حمود مضعان عیال سلمان به دلیل سخن همین علمای حنبلی ابن فوطی را حنبلی می‌داند (ابن الفوطی مؤرخا، ص ۵۰). ۱۶. دایی پدر ابن فوطی، موفق‌الدین عبد القادر تحت نظر شیوخ شافعی مثل محب‌الدین ابوالبقاء عکبری و ضیاء‌الدین ابوالاحمد بن سکنینه درس خواند (مجمع الآداب، ج ۵، ص ۶۲۳). والد ابن فوطی، تاج‌الدین احمد سه دوست خود را به ابن فوطی معرفی کرد. از میان آنها دو نفر شیخ حنفی و یک نفر شیخی حنبلی بودند (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۸؛ ج ۳، ص ۸۷؛ ج ۴، ص ۲۰۴-۲۰۵). از این اطلاعات پیروی ابن خانواده از مذهب حنبلی استنباط نمی‌گردد.

۱۷. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۱۸. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۵۴۲-۵۴۳.

۱۹. ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۹۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۲۱۱.

۲۰. از خانواده ابن فوطی، پسر موفق‌الدین، قوام‌الدین محمد زنده ماند و به دمشق رفت (مجمع الآداب، ج ۳، ص ۵۲۹-۵۳۰).

۲۱. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۴۵۷ و ص ۵۳۰. در شرح حال پسر وی، عزالدین بیکلار، نسب او «محمد بن عبد المجید» است. (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶).

۲۲. طبق گفته عطا ملک جوینی، مجدالدین در حدود ۶۵۰ ق در زمان امیر ارغون به فعالیت در امور مالیاتی مشغول بوده است. علاء‌الدین عطا ملک جوینی؛ تاریخ جهانگشای جوینی؛ تصحیح محمد قزوینی؛ به اهتمام احمد خاتمی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲۳. رشیدالدین فضل‌الله؛ جامع التواریخ؛ تصحیح محمد روشن؛ تهران: نشر البرز، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۱۰۲۲.

۲۴. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۴۰۰.

کمال‌الدین ابوالفضل
عبدالرزاق بن احمد بن محمد
بن احمد شیبانی بغدادی،
معروف به ابن صابونی یا
ابن فوطی (۶۴۲-۷۲۳ ق.)
از مورخان و راویان حدیث
در دوران حکومت ایلخانیان
است. از جمله آثار او می‌توان
به مجمع الآداب فی معجم
اللقاب اشاره کرد که در زمره
تراجم بزرگ قرار می‌گیرد
و علی‌رغم از میان رفتن
بخش‌های زیادی از آن،
اطلاعات مهمی را در دسترس
قرار می‌دهد.

احتمالاً اسارت ابن فوطی در سال ۶۵۹ به پایان رسیده است.^{۲۵} وی در همین سال، در وراوی آذربایجان، با حاکم بلاد پیشکین، یعنی منطقه‌ای شامل وراوی، اهر، کلیبر و غیره دیدار کرد^{۲۶} و در این زمان به اسارت خود اشاره‌ای نکرده است. او توانست بعد از ۶۶۴ با کمک عزالدین بیکلار پسر مجدالدین، حاکم تبریز ذکرشده، برادرش بهاء‌الدین را نیز آزاد کند.^{۲۷}

ب) روزگار زندگی در مراغه (۶۶۰-۶۷۷)

ذهبی در شرح حال ابن فوطی می‌گوید که وی در سال ۶۶۰ به خدمت فیلسوف، حکیم الهی و ستاره‌شناس بزرگ شیعه، نصیرالدین طوسی راه یافته و زیر نظر او به تحصیل پرداخته است.^{۲۸} برای ابن فوطی دیدار با نصیرالدین به مثابه فرصتی بود که امکانات علمی وسیعی را در اختیارش نهاد؛ چرا که وی به لطف نصیرالدین، در مرکز علمی ایلخانی مراغه به کتابداری (خازنی) کتابخانه رصدخانه که کتاب‌های متنوعی از شهرهای گوناگون در آن جمع‌آوری شده بود منصوب گشت و با دانش‌ها و دانشمندان بسیاری آشنا شد.^{۲۹}

ذهبی می‌گوید: «خزن کتب الرصد بضع عشرة سنة فظفر بكتب نفیسة وحصل من تواریخ ما لا مزید علیه».^{۳۰}

در این زمان مراغه فقط یک مرکز علمی نبود، بلکه از جهت سیاسی و اداری نیز اهمیت داشت؛ چرا که مسئولیت اداره اوقاف با نصیرالدین طوسی بود و علما برای امور مربوط به اوقاف نیز به مراغه می‌آمدند.^{۳۱} ابن

فوطی در شرح حال فخرالدین ابوغالب محمد نقیب می‌گوید:

قدم مراغه مع اخیه السید الفاضل کمال الدین ابی [محمد] الرضا ولم تکن همته مصروفة الی التحصیل والاشتغال كأخیه الرضا الکمال والتمس من خدمته مولانا نصیرالدین ابی جعفر محمد بن محمد بن الحسن الطوسی عملاً من اعمال الوقوف بهمذان واصفهان وقم وقاشان وما يتبعها من البلدان.^{۳۲}

از طرف دیگر صاحبان مقامات مهم سیاسی نیز در مراغه جمع می‌شدند. برای مثال کوچک‌ترین پسر خلیفه عباسی مستعصم، ابوالمناب المبارک در مراغه احادیث پدرش را برای ابن فوطی روایت کرد.^{۳۳} جلال‌الدین سیورغتمش شاهزاده قراختاییان کرمان (سلطنت ۶۷۱-۶۹۰) هم در سال ۶۷۰، یک سال پیش از حکومت خود، در مراغه با ابن فوطی دیدار کرده است.^{۳۴}



۲۵. ابن فوطی، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقاب، ج ۱، ص ۱۵-۱۶.
 ۲۶. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۶.
 ۲۷. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶. احوال بهاء‌الدین عبدالوهاب بعد از رهایی از اسارت مشخص نیست.
 ۲۸. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۴۹۳.
 ۲۹. جعفریان در مقاله مذکور، نام ۹۹ نفر از دانشمندان را که در دوره ایلخانی به رصدخانه مراغه آمدند، بر مبنای مندرجات مجمع الآداب جمع کرده است (جعفریان: «مراغه: کانون تمدنی عصر ایلخانی»). علاوه بر آنها می‌توان از تراجم مجمع الآداب ۱۳ نفر دیگر مثلاً قطب‌الدین شیرازی را به این فهرست اضافه کرد. (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ص ۳۶۵-۳۶۶؛ ج ۲، ص ۶۲؛ ص ۲۲۵-۳۲۶؛ ج ۳، ص ۳۲؛ ص ۳۶۰؛ ص ۳۶۰) (قبل از حمله مغول برای قضاوت به مراغه آمده بود و در دوره نصیرالدین در آنجا منزل کرد)؛ ص ۵۲۱-۵۲۲؛ ج ۴، ص ۱۰۰؛ ص ۵۴۲؛ ج ۵، ص ۹۹-۱۰۰؛ ص ۳۴۱.
 ۳۰. ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۴۹۳.
 ۳۱. نام‌معلوم، کتاب الحوادث، ص ۳۸۲.
 ۳۲. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۱۷۳.
 ۳۳. ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۴۹۴؛ تاریخ الاسلام، ج ۵۰، ص ۲۷۸.
 ۳۴. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۳۴۱. در باب جلال‌الدین سیورغتمش: ابراهیم، محمد؛ تاریخ کرمان: تهران: نشر علم، ۱۳۸۵ ش، ص ۴۵۴-۴۵۷.

مطالب مجمع الآداب استنباط می‌گردد، این ماجرا چندان تأثیری بر ابن فوطی نگذاشته است.

او به زندگی در عراق و دیدار با علما ادامه داد. با اینکه پس از عطا ملک، سیاسیون با نفوذ دیگری نیز به بغداد آمدند و ابن فوطی با چندین تن از آنان دیدار کرد. این فرصت‌ها کوتاه بود و آنها نیز در گرداب مبارزات سیاسی، یکی بعد از دیگری از دنیا رفتند.^{۲۲}

د) سفرهای مکرر و خدمت به سلطان اولجایتو (۷۰۴-۷۲۳)

در سال ۷۰۳ سلطان محمد خدا بنده اولجایتو بر تخت سلطنت جلوس کرد. سپس از سال ۷۰۴ تا ۷۱۷، ابن فوطی دوباره سفرهای خود را آغاز نمود. از بغداد به شهرهای ایران مانند تبریز، سلطانیه، ولایت اوجان و اران رفت. این مدت تقریباً همزمان با عهد اولجایتو است. طبق تاریخ اولجایتو این پادشاه در اواخر سال ۷۰۴ برای بیلاق به اوجان نزول کرد.^{۲۳} ابن فوطی با عالم شیعه، رضی الدین علی پسر رضی الدین علی معروف به ابن طاووس از راه همدان به نزد سلطان به اوجان رفت.^{۲۴}

بر مبنای شرح حال‌هایی که افعال ابن فوطی را در سال ۷۰۵ در اران گزارش می‌دهند، وی در آن زمان در خدمت اولجایتو یا در لشکر او بوده است. در سال ۷۰۶ نیز ابن فوطی در موقان در خدمت اولجایتو بود. بی‌شک یکی از اهداف وی از مسافرت به ایران پیوستن به لشکر اولجایتو بوده است. در این مسافرت‌ها ابن فوطی موفق به ملاقات با علما و سیاستمداران قدرتمند و صاحب نفوذ شد. در سال ۷۰۶، در سلطانیه با اصیل الدین الحسن (ت ۷۱۵) پسر نصیرالدین طوسی دیدار کرد.^{۲۵} اصیل الدین بعد از فوت برادرش صدرالدین، وارث مناصب پدرش شده بود.^{۲۶} در اوجان و اران ابن فوطی در اردوی وزیر سلطان، سعدالدین ساوجی (ت ۷۱۱) حضور داشته است،^{۲۷} اما بنا به قول عبدالله قاشانی، در سال ۷۱۱ بین اصیل الدین و سعدالدین مبارزه‌ای سیاسی رخ داد^{۲۸} و در همین سال سعدالدین در نتیجه

ابن فوطی از سال ۶۶۴ تا ۶۷۷، چند بار به شهر تبریز رفته و در سال ۶۶۹ با صاحب دیوان دولت ایلخانی، شمس الدین جوینی (ت ۶۸۳) دیدار کرد.^{۲۵} این رفت و آمدهای مکرر نشان می‌دهد که وی در قیاس با روزگار بغداد، زندگی آزادانه‌تری را داشته و البته حمایت‌های خواجه نصیرالدین هم در این آزادی بی‌تأثیر نبوده است. در زمانی که ابن فوطی در سال ۶۷۲ به علت بیماری به شهر سراع رفت، نصیرالدین به شخصی در سراو (سراة) برای رعایت حال وی معرفی نامه نوشت.^{۲۶}

در سال ۶۷۳ ق با فوت نصیرالدین، ابن فوطی حامی خود را از دست داد و ناچار بود حامی دیگری پیدا کند. از این زمان تا سال ۶۷۷، ابن فوطی دوباره بین مراغه و تبریز در رفت و آمد بود تا اینکه سرانجام توانست در محضر برادر شمس الدین جوینی، صاحب دیوان عراق، علاءالدین عطا ملک جوینی معروف به مولف تاریخ جهانگشا (ت ۶۸۱) تقرب بجوید.^{۲۷}

ج) بازگشت به بغداد (۶۷۸ یا ۶۷۹-۷۰۳)

به امر عطا ملک ابن فوطی به بغداد وطن خود بازگشت.^{۲۸} مصطفی جواد سال بازگشت وی را ۶۷۹ می‌داند، ولی در تعدادی از شرح حال‌های مذکور در مجمع الآداب، این زمان را سال ۶۷۸ نوشته‌اند.^{۲۹} در هر حال از زمان سقوط بغداد بیست و چند سال گذشته بود. بر مبنای مندرجات این کتاب، در این مدت ابن فوطی عمدتاً در بغداد، حله و کوفه فعالیت می‌کرد.

در بغداد ابن فوطی به سمت کتابداری مدرسه مستنصریه تعیین شد. این کتابخانه نیز مانند کتابخانه رصدخانه مراغه، کتاب‌های مهم بسیاری داشت.^{۳۰} با حمایت عطا ملک جوینی، ابن فوطی می‌توانست آزادانه از این کتاب‌ها استفاده کند. در چنین محیطی در بغداد، عطا ملک وی را مامور تألیف «کتاب التواریخ و الحوادث» کرد.^{۳۱} به عبارت دیگر بازگشت به بغداد برای او به منزله فرصتی جدید برای تألیف کتاب بود.

ولی حمایت عطا ملک نیز دوام نیافت. در سال ۶۸۱ عطا ملک در نتیجه مبارزه‌ای سیاسی کشته شد. بعد از آن برادر او شمس الدین و پسرش شرف الدین هارون نیز به قتل رسیدند، ولی تا جایی که از

۳۵. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۶۲.

۳۶. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۸۵-۸۶.

۳۷. زمان دقیق نزدیک شدن ابن فوطی به عطا ملک مشخص نیست. در سال ۶۷۷ او در تبریز شعر عطا ملک را شنیده است. (مجمع الآداب، ج ۲، ص ۳۱۵-۳۱۶).

۳۸. در شرح حال کتف الدین ابوالراهم اسماعیل آمده است: «لما قدمت مدینة السلام بإشارة الصاحب السعيد علاء الدین عطا ملک الجونینی...» (مجمع الآداب، ج ۴، ص ۲۸۱).

۳۹. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۴۷۵-۴۷۶؛ ج ۴، ص ۲۴۴؛ ج ۵، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ ص ۴۱۵.

۴۰. در مورد این دو کتابخانه ذهبی «لیس فی البلاد اکثر من [کتاب] هاتین الخزانین» می‌داندست (ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۹۳).

۴۱. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۲۲. فی المثل ابن فوطی در حدود سال ۶۹۱ با جمال الدین دستجردانی ارتباط برقرار کرده است (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ج ۵، ص ۴۲۵). دستجردانی به همراه سعدالدوله در زمان بابدو خان و غازان خان وزیر بود، ولی در سال ۶۹۵ اعدام شد. در سال ۶۹۶ قاضی الممالک قطب جهان زنجانی به بغداد آمد و در خزانه مستنصریه با ابن فوطی دیدار کرد (مجمع الآداب، ج ۳، ص ۳۷۵)، ولی در سال ۶۹۸ بعد از اینکه برادر وی، صدر جهان مقام خود را از دست داد، قطب جهان نیز اعدام شد.

۲۳. ابوقاسم عبدالله قاشانی: تاریخ اولجایتو؛ تصحیح مهین همبلی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ ش، ص ۳۱.

۲۴. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۳۲۷؛ ج ۴، ص ۴۵۲-۴۵۳؛ ج ۵، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۲۵. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۹۱-۹۲ و ۳۸۵-۳۸۶. دیگر شرح حال‌هایی که به ارتباط ابن فوطی و اصیل الدین اشاره دارند: ج ۱، ص ۵۱۳.

۲۶. ابن شاکر کنسی: فوات الوفيات؛ تصحیح احسان عباس؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۷۳-۷۴ م، ج ۳، ص ۲۵۱؛ مدرس رضوی، محمد تقی؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۰ ش، ص ۶۹.

۲۷. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۳۴-۳۵؛ ج ۴، ص ۳۹۳.

۲۸. ابوقاسم عبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۳۰.

تهمت وزیر دیگر، رشیدالدین فضل‌الله همدانی اعدام شد.^{۴۹}

از جالب توجه‌ترین ملاقات‌های ابن فوطی در این زمان، ملاقات با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. ابن فوطی در سال ۷۰۵ در اران و در سال ۷۰۶ در سلطانیه در خدمت رشیدالدین بود.^{۵۰} علاوه بر این در کار نسخه‌نویسی جامع التواریخ نیز شرکت داشت و در سال ۷۱۴ در سلطانیه جامع التواریخ را مقابله کرد.^{۵۱} ابن فوطی در روزگار اقامت در مراغه، پدر رشیدالدین، عمادالدوله ابوالخیر و برادرش امین‌الدوله را ملاقات کرد. در سال ۶۶۶ عمادالدوله از وی خواست که از کتابی طبیبی نسخه برداری کند.^{۵۲} این زمان نقطه آغاز روابط ابن فوطی و خانواده رشیدالدین است.

از طرف دیگر بعد از قتل سعدالدین ساوجی که پیش‌تر ذکر آن گذشت، تاج‌الدین علی‌شاه به وزارت اولجایتو تعیین شد. علی‌رغم اینکه وی قبل از آن در بغداد کارخانه داشت^{۵۳} و نیز بعد از انتصاب به مقام وزارت، ولایت عراق نیز به او تفویض شد،^{۵۴} در جزء موجود از مجمع الآداب، مطلبی نیست که به نزدیکی ابن فوطی به وی اشاره داشته باشد. با اینکه ابن فوطی رشیدالدین را «مخدوم»، «مولانا»، «شیخنا»، «اعظم»، «کامل» و «فاضل» می‌خواند، از تاج‌الدین تنها یک بار با عنوان «وزیر اعظم» و در سایر موارد فقط با عنوان ساده «وزیر» یاد شده است.^{۵۵} این امر نشانگر نزدیکی بیشتر ابن فوطی به رشیدالدین در قیاس با تاج‌الدین است.

بعد از مرگ اولجایتو ابن فوطی بغداد را به عنوان منزل آخر انتخاب کرد. آخرین اشاره به ابن فوطی، ماه ربیع‌الاول سال ۷۲۲ و فقط ده ماه پیش از فوت اوست.^{۵۶} بنا به گفته ذهبی، ابن فوطی در محرم سال ۷۲۳ در بغداد از دنیا رفت.^{۵۷} ابن رجب و قاضی شهبه (ت ۸۵۱) در مورد پسر ابن فوطی، ابوالمعالی محمد مطالبی را نوشته‌اند و^{۵۸} وفات ابوالمعالی محمد را در ۷۵۰ دانسته‌اند.

۱. ساختار و مشخصه‌های مجمع الآداب

زکیه حسن ابراهیم الدیلمی و حمود مضعان عیال سلمان مراجع مجمع الآداب را به طور مفصل معرفی کرده و شرح داده‌اند.^{۵۹} در این فصل به طور خاص به ساختار مجمع الآداب، ویژگی‌ها و گرایش‌های زمانی و جغرافیایی آن توجه خواهد شد.

با آنکه اکنون فقط بخشی از مجمع الآداب، از لقب «عز» تا «موفق» به جا مانده، همین جزء موجود شامل ۵۹۲۱ شرح حال است. نمی‌توان حدسی را در خصوص تعداد شرح حال‌های موجود در اصل کتاب مطرح کرد.^{۶۰} متأسفانه به سبب اینکه بخش باقیمانده از کتاب فاقد مقدمه است، ممکن نیست که هدف نویسنده از تألیف و بنانهادن کتاب بر مبنای القاب را شناخت، ولی می‌توان از طریق بخش‌های موجود

مصطفی جواد در دیباچه تصحیح تلخیص مجمع الآداب و زکیه الدیلمی و حمود سلمان نیز در رساله‌هایشان، به تفصیل به شرح زندگانی ابن فوطی پرداخته‌اند. در این فصل بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، شرح حال ابن فوطی در چهار بخش بیان خواهد شد. اول: از ولادت تا سقوط بغداد و اسارت وی (۶۴۲-۶۵۹)، دوم: روزگار زندگی در مراغه (۶۶۰-۶۷۷)، سوم: مراجعت به بغداد (۶۷۸ یا ۶۷۹-۷۰۳) و چهارم: سفرهای مکرر و خدمت به سلطان اولجایتو (۷۰۴-۷۲۳).

۴۹. ابوعبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۵۰. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۱۹۷؛ ج ۴، ص ۴۳۶.

۵۱. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۲۶۴.

Krawulsky, Dorothea, The Mongol Ākhāns and Their Vizier Rashīd al-Dīn, Frankfurt am Main et al: Peter Lang, 2011, p. 122.

۵۲. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۶۲.

Krawulsky, The Mongol Īkhāns and Their Vizier Rashīd al-Dīn, p. 120.

۵۳. ابوقاسم عبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۵۴. ابوالقاسم عبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۵۵. در مجمع الآداب، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۳۸، تاج‌الدین «الوزیر الاحظم» خوانده می‌شود. از طرف دیگر در شرح حال‌های دیگر، فقط عنوان «الوزیر» برای او ذکر شده است (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۳۵۵ و ج ۲، ص ۱۵۲ و ص ۵۳۰).

۵۶. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۵۷. ذهبی، کتاب تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۹۴.

۵۸. ابن رجب، کتاب ذیل علی طبقات الحنبلیه، ج ۲، ص ۳۷۶؛ ابن قاضی شهبه؛ تاریخ ابن قاضی شهبه؛ تصحیح عدنان درویش؛ دمشق: المعهد العلمي الفرنسي للدراسات العربیة، ۱۹۷۷-۹۷ م، ج ۲، ص ۷۰۴-۷۰۵.

۵۹. الدیلمی، المؤرخ البغدادی ابن الفوطی و کتابه، ص ۱۰۵-۱۴۴؛ سلمان، ابن الفوطی مؤرخا، ص ۱۰۱-۱۶۲.

۶۰. ممکن است که تألیف مجمع الآداب اصلاً به پایان نرسیده باشد. در این کتاب شرح حالی مربوط به سال ۷۲۲ مشاهده می‌شود. این مسئله بدان معنی است که ده ماه پیش از فوت نویسنده، تألیف کتاب ادامه داشته و به پایان نرسیده است.

بنا به گفته شمس‌الدین ذهبی، مورخ شامی قرن هشتم (ت ۷۴۸)، ابن فوطی در سال ۶۴۲ ق در بغداد به دنیا آمد. اگرچه به گفته محمد اقبال و مصطفی جواد، وی از خانواده‌ای حنبلی بوده است، اطلاع دقیقی در مورد مذهب خانواده وی در دست نیست.

این اثر چگونگی پیدایش و نگارش آن را دریافت. در این فصل به مشخصات صاحبان شرح حال‌ها، منابع ابن فوطی در ارائه اطلاعات و نیز مکان‌های دیدار و تماس وی با این افراد پرداخته می‌شود.

الف) ویژگی‌های صاحبان شرح حال‌ها

مجموع الآداب شرح حال‌های افراد گوناگون در مکان‌ها و زمان‌های مختلف را شامل می‌شود.^{۶۱} برای مثال می‌توان به گروه‌های روشنفکران از جمله فقها، حکیمان، ادبا، شعرا، فضلا، علما، کاتبان، متصوفه، قاضیان، مدرسان و... و صاحبان مقامات سیاسی از جمله خلیفه، سلاطین، ملوک، رؤسا، والیان، امرا، وزرا و... اشاره کرد. البته در مواردی نیز نمی‌توان به مرزبندی دقیقی میان این گروه‌ها قائل بود؛ مثلاً افرادی هم به عنوان «وزیر» و هم به عنوان «ادیب» توصیف شده‌اند.

زمان و مکان این شرح حال‌ها نیز بسیار گسترده است. مجموع الآداب شرح حال‌هایی از شخصیت‌های قبل از اسلام مانند انبیاء سابق،^{۶۲} اعراب^{۶۳} و غیره تا معاصرین ابن فوطی را در بردارد. از جمله مشخصه‌های این کتاب این است که به تعداد القاب هر فرد، شرح حال‌هایی در خصوص وی نوشته شده است. این ویژگی درباره نخستین شخصیت‌های دوران اسلامی برجسته‌تر است. برای مثال، محمد رسول الله در جزء موجود مجمع الآداب، ۱۸ لقب، یعنی ۱۸ شرح حال دارد.^{۶۴} در مورد علی بن ابی طالب ۶ شرح حال^{۶۵} و در مورد عمر بن الخطاب ۴ شرح حال در این کتاب دیده می‌شود.^{۶۶}

محدوده جغرافیایی این کتاب افرادی را از ما وراء النهر و هند تا اندلس شامل می‌شود. این ویژگی در مورد حاکمان و فرمانروایان بارزتر است. در این کتاب می‌توان شرح حال‌های فرمانروایان این کشورها را یافت: در ایران، عراق و سوریه، دولت اموی، عباسی، سامانی، غزنوی، آل بویه، سلجوقی، زنگی، خوارزمشاهی، ایلخانی و غیره.^{۶۷} در هند، سلطنت مملوکین دهلی.^{۶۸} در مصر دولت فاطمی، ایوبی و مملوکی.^{۶۹} در مغرب و اندلس، عباسی در اندلس و حمودی.^{۷۰}

ب) منابع مجمع الآداب

چنان که پیش‌تر بیان شد؛ ابن فوطی در رصدخانه مراغه و مدرسه مستنصریه بغداد کتابدار بوده و با

در سال ۶۷۳ ق با فوت نصیرالدین، ابن فوطی حامی خود را از دست داد و ناچار بود حامی دیگری پیدا کند. از این زمان تا سال ۶۷۷، ابن فوطی دوباره بین مراغه و تبریز در رفت و آمد بود تا اینکه سرانجام توانست در محضر برادر شمس‌الدین جوینی، صاحب دیوان عراق، علاءالدین عطاملک جوینی معروف به مولف تاریخ جهانگشا (ت ۶۸۱) تقرب بجوید.

۶۱. حمود مضعان عیال سلمان در مورد گرایش موجود در شرح حال‌های مندرج در مجمع الآداب تحقیق کرده است. برحسب بررسی او، با نزدیک‌تر شدن به روزگار معاصر ابن فوطی، تعداد شرح حال‌ها بیشتر می‌شود (سلمان، ابن الفوطی مؤرخا، ص ۷۸-۸۰).
 ۶۲. فی المثل، شرح حال ادریس (المثلث بالنعمه)، موسی (کلیم الله) و عیسی (کلمة الله، المسيح)؛ مجمع الآداب، ج ۴، ص ۹۰-۹۲؛ ص ۳۵۵-۳۵۶؛ ج ۵، ص ۲۲۹.
 ۶۳. فی المثل، دانی طرفه بن العبد، شاعر جاهلی؛ مجمع الآداب، ج ۴، ص ۳۴۳-۳۴۴.
 ۶۴. الفاتح (مجمع الآداب، ج ۲، ص ۴۷۳-۴۷۴)، قائد المرسلین (ج ۳، ص ۳۲۲)، القتال (ص ۳۳۵)، القم (ص ۳۳۹)، الماحی (ج ۴، ص ۳۱۱-۳۱۲)، المبارک (ص ۳۲۹-۳۳۰)، المبشر (ص ۳۳۷)، المتوکل (ص ۳۴۹-۳۵۰)، المجتبی (ص ۳۷۷-۳۷۸)، المختار (ج ۵، ص ۱۲۵)، المدثر (ص ۱۶۶-۱۶۷)، المذکر (ص ۱۷۲-۱۷۳)، المزمّل (ص ۱۹۹)، المصطفی (ص ۲۴۲)، المظهر (ص ۲۵۵-۲۵۶)، المعصوم (ص ۳۴۹)، المقفی (ص ۴۶۲)، المنذر (ص ۵۳۷).
 ۶۵. الفاروق الاکبر (ج ۲، ص ۴۸۶)، الفتی (ص ۵۰۶-۵۰۷)، قائد العزالمجلیین (ج ۳، ص ۳۲۵)، قسیم النار (ص ۳۵۱-۳۵۲)، مبیّد المشرکین (ج ۴، ص ۳۳۷-۳۳۹)، المرتضی (ج ۵، ص ۱۸۰-۱۸۲).
 ۶۶. غلق الفتنة (ج ۲، ص ۴۲۷)، الفاروق (ص ۴۸۶-۴۸۷)، قفل الفتنة (ج ۳، ص ۴۵۴)، المحدث (ج ۵، ص ۳۵-۳۶).
 ۶۷. برشمردن همه فرمانروایان قصد این مقاله نیست. در اینجا، برای نمونه به شرح حال یک فرمانروا از هردولت اشاره می‌شود. از دولت اموی، معاویه (خلافت ۴۱-۶۰) (ج ۱، ص ۵۰۱)، از عباسیان، مستعصم بالله (خلافت ۶۴۰-۶۵۶) (ج ۵، ص ۲۰۷-۲۰۸)، از سامانیان، الماضی اسماعیل بن احمد (سلطنت ۲۷۹-۲۹۵) (ج ۴، ص ۳۱۳)، از غزنویان، مسعود سوم (سلطنت ۴۹۲-۵۰۸) (ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱)، از آل بویه، عزالدوله بختیار (فرمانروایی ۳۵۶-۳۶۷) (ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴)، از سلجوقیان، سنجر (سلطنت ۵۱۱-۵۵۲) (ج ۵، ص ۳۴۰-۳۴۱)، از دولت زنگی، عمادالدین زنگی (سلطنت ۵۲۱-۵۴۱) (ج ۲، ص ۶۸-۶۹)، از خوارزمشاهیان، نکش (فرمانروایی ۵۶۸-۵۹۶) (ج ۲، ص ۲۹۲-۲۹۳)، از ایلخانیان، غازان (سلطنت ۶۹۴-۷۰۳) (ج ۵، ص ۳۹-۴۰).
 ۶۸. شرح حال بنیانگذار سلطنت مملوکی دهلی، قطب‌الدین ایبک (سلطنت ۶۰۳-۶۰۷) موجود است (مجمع الآداب، ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۳).
 ۶۹. از فاطمیان، العزیز (خلافت ۹۷۵-۹۹۶) (مجمع الآداب، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۸)، از ایوبیان، العزیز عمادالدین عثمان (سلطنت ۵۸۹-۵۹۵) (ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۱؛ ج ۲، ص ۱۰۴)، از مملوکیان، قلاوون (سلطنت ۶۷۸-۶۸۹) (ج ۵، ص ۵۲۳-۵۲۴).
 ۷۰. از عباسیان در اندلس، مستنصر حکم (حکم دوم) (خلافت ۳۵۰-۳۶۶ ق.) (ج ۵، ص ۲۱۹)، از حمودیان، مستعلی (خلافت ۴۴۶-۴۴۹ ق.) (ج ۵، ص ۲۱۰).

اندلس نیز استفاده کرده است. بازه جغرافیایی منابع قرن ششم نیز به همین منوال است، ولی از اوایل قرن هفتم به تدریج حوزه جغرافیایی منابع کوچک‌تر شده و بعد از نیمه آن قرن منحصرأ به کتاب‌هایی که در عراق نوشته شده‌اند محدود می‌شود. با وجود این واقعیت که در نیمه دوم قرن هفتم چند کتاب بزرگ همچون مرآت الزمان از سبط ابن جوزی (ت ۶۵۴) و وفيات الاعیان از ابن خلکان (ت ۶۸۱) در شام نگارش یافته‌اند، ابن فوطی به این آثار در کتاب خود ارجاع نداده است.

مشابه همین اتفاق در شام نیز مشاهده می‌شود. براساس نوشته فان اس، صفدی، مورخ شامی (ت ۷۶۴) نیز در کتاب‌های تراجم خود به ندرت از مراجع نگاشته شده در نیمه دوم قرن هفتم استفاده کرده است.^{۷۱} از این رو صفدی به مجمع‌الآداب مراجعه نکرده است. این شکاف علمی در نیمه قرن هفتم ظاهراً به سقوط بغداد در سال ۶۵۶ و روی کار آمدن دولت ایلخانی مرتبط است. اما به طور دقیق مشخص نیست که این شکاف علمی بین عراق و شام مشخصاً چه کیفیتی داشته است.

فی الجمله با آنکه مجمع‌الآداب محدوده زمانی و محدوده جغرافیایی بزرگی را شامل می‌شود، هرچه در طول زمان جلوتر می‌آییم، تعداد شرح حال ثبت شده در آن بیشتر و در عین حال حوزه جغرافیایی به پیرامون عراق محدود می‌گردد. استفاده بسیار ابن فوطی از کتاب‌های عراقی تنها به این مسئله که عراق زادگاه و محل زیست وی بوده است بازمی‌گردد، بلکه علت مهم دیگر این است که تحت سیطره دولت عباسی، عراق و بغداد به عنوان مراکز علمی رونق یافته بودند. کتابخانه مدرسه مستنصریه نیز که ابن فوطی از کتاب‌های آن استفاده کرده، میراث دولت عباسی در بغداد محسوب می‌شد. این عوامل در کنار هم سبب شدند تا ابن فوطی بتواند شرح حال همه افراد معتبر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به اضافه معاصران خود را در یک کتاب جمع‌آوری کند.

ج) مکان‌های تماس ابن فوطی با معاصرین خود

غیر از کتاب‌ها و روایت‌ها، ابن فوطی از طریق تماس مستقیم با اشخاص و دریافت اطلاعات از آنها به نوشتن و جمع‌آوری تراجم پرداخته است. مراد از «تماس مستقیم» در این مقاله این است که مؤلف از طریق ملاقات حضوری، ارتباط استادی و شاگردی، فرستادن نامه یا اجازه‌نامه، تقدیم شعرو... با صاحبان شرح حال‌ها ارتباط برقرار کرده است. از اشارات موجود در کتاب می‌توان به وجود این تماس‌هایی برد.^{۷۲} براساس این تعریف ابن فوطی با ۵۳۸ نفر از افرادی که شرح حال آنها در بخش باقیمانده از مجمع‌الآداب آمده «تماس» برقرار کرده است که این عدد تقریباً ده درصد از کل شرح حال‌ها را در برمی‌گیرد.

کتاب‌های مهمی سر و کار داشته است. مسلماً منابع موجود در این کتابخانه‌ها بخش مهمی از مراجع مجمع‌الآداب را که در بخش باقیمانده از آن بالغ بر ۲۳۰ مورد است تشکیل می‌دهند. فهرستی از این منابع (فهرست شماره ۳) در انتهای این مقاله دیده می‌شود. ابن فهرست بر مبنای زمان وفات نویسندگان منابع مرتب شده است. به عنوان مثال، از آنجا که ابن کلیبی (ت ۲۰۴ یا ۲۰۶) در اوایل قرن سوم وفات یافته؛ در جزو منابع قرن سوم ثبت شده است.

از میان مراجع مجمع‌الآداب تنها ۴۹ منبع که در فاصله قرن سوم تا نیمه اول قرن هشتم در گستره جغرافیایی آسیای میانه تا اندلس تألیف شده‌اند و پنج بار یا بیشتر مورد ارجاع قرار گرفته‌اند در این پژوهش بررسی شده‌اند. هشت نویسنده (ابن ساعی، ابن دبیتی، ابن نجار، عماد اصفهانی، ابن صابی، سلفی، ابن شعار، ابن مهنا) بیش از پنجاه بار مورد ارجاع قرار گرفته‌اند و تعداد ارجاع به این هشت نفر بیشتر از یک ششم تعداد کل شرح حال‌هاست. در میان نویسندگانی که در قرن پنجم هجری یا پیش‌تر وفات یافته‌اند، تعداد ارجاع به ابن صابی (۱۰۹ بار) برجسته و ممتاز است. از میان نویسندگان قرن ششم، علاوه بر سلفی (۱۰۷ بار) و عمادالدین اصفهانی (۱۲۸ بار) که بیشترین میزان ارجاع به آنها صورت گرفته است، ابن همدانی (۳۰ بار)، سمعانی (۴۶ بار) و ابن عساکر (۴۵ بار) و ابن جوزی (۳۳ بار) مورد ارجاع واقع شده‌اند. در قرن هفتم پنج نفر نویسنده‌ای هستند که بیشتر از ۵۰ بار ارجاع به آنها صورت گرفته است: ابن دبیتی (۱۸۹ بار)، ابن نجار (۱۴۷ بار)، ابن شعار (۹۲ بار)، ابن ساعی (۱۹۴ بار) و ابن مهنا (۵۱ بار). غیر از این پنج نویسنده، از اشخاص در قرن هفتم، تاج‌الدین زکریا تکریتی (۳۹ بار)، یاقوت حموی (۴۳ بار) و ابن قطیعی (۳۸ بار) نیز نقل قول بیشتر را دارند.

اگر تنها به منابعی که پنج بار یا بیشتر از آنها نقل قول شده است نظر کنیم، متوجه می‌شویم که تعداد نقل قول تا قرن پنجم ۲۱۱ مورد، قرن ششم ۴۶۵ مورد و قرن هفتم و پس از آن ۹۷۲ مورد است. این آمارها نشان می‌دهند که با وجود احتمال مجمع‌الآداب بر یک بازه زمانی گسترده، تعداد تراجم موجود در کتاب با نزدیک شدن به روزگار حیات ابن فوطی بیشتر می‌شوند. به عبارت دیگر ابن فوطی با وجود این که در تلاش بوده است تا شرح حال افراد معتبر در همه روزگاران را ثبت کند، در عین حال به افراد معاصر و نزدیک به زمان خود علاقه و توجه بیشتری نشان داده است.

گستره جغرافیایی منابع نیز قابل توجه است. به طور کلی مجمع‌الآداب تحت تأثیر تراجم نگارش یافته در بغداد، همچون آثار خطیب بغدادی، سمعانی، ابن دبیتی و ابن نجار و در یک بیان کلی تألیفات عراقی قرار گرفته است. در عین حال ابن فوطی از تألیفات آسیای میانه، حتی

71. van Ess, Josef, "Safadi-Splitter: Teil 2," *Der Islam*, 54, 1977, pp. 77-108.

۷۲. فی المثل این عبارت‌ها نشانه تماس مستقیم قلمداد شده‌اند: «رأیته»، «قدم علینا»، «سمعت علیه»، «قرأت علیه»، «ذکر لی»، «انشدنی»، «اجاز لی»، «سألته» و غیره.

د) ارجاع به ابن فوطی و سنجش کار وی در دیدگاه دیگران

تا اینجا به ارتباط علمی ابن فوطی با دانشمندان معاصری اشاره شد. از مطالب مجمع الآداب چنین برداشت می‌شود که گویی وی در کانون علمی زمان خود حضور داشته، با همه دانشمندان بزرگ آشنا بوده و خود نیز در زمره علمای بزرگ زمان محسوب می‌شده است، ولی برای تصدیق این تصور لازم است که مطالب این کتاب با اطلاعات دیگران تطبیق داده شود. در این بخش بررسی می‌گردد که دیگران چگونه از ابن فوطی یاد کرده و چه ارزیابی و برداشتی از وی داشته‌اند.

عدد افرادی که در ایران و عراق پس از وفات ابن فوطی از وی نام برده‌اند بسیار اندک است. یکی از آنها هندوشاه بن سنجر بن عبدالله نخجوانی (بعد از ۷۲۴)، نویسنده تجارب السلف است. چنان‌که مصحح این کتاب، عباس اقبال اشاره کرده هندوشاه به مدرسه مستنصریه می‌رفت و ظاهراً در تجارب السلف از مجمع الآداب نقل قول کرده است.^{۷۳} هندوشاه بدون اشاره به نام ابن فوطی از وی تنها با عنوان «مؤلف معجم اهل الادب» یاد کرده است.^{۷۴}

غیاث‌الدین هبة الله یوسف بن ابراهیم ابن حُمویه نیز فرد دیگری است که در حوزه ایران و عراق به ابن فوطی اشاره کرده است. او نوه صوفی نامدار، سعدالدین محمد ابن حمویه است و پدر او صدرالدین ابراهیم نیز از چهره‌های نامدار است که مصاحب غازان خان در زمان اسلام آوردن وی بوده است.^{۷۵} غیاث‌الدین هبة الله در کتاب خود، مرادالمویدین (تألیف شده در ۷۴۱-۷۵۹)، خبری از جد خود را به نقل از ابن فوطی درج کرده است:

ذکر القاضی الامام کمال‌الدین أحمد بن الصدر السعید عزیزالدین ینال من الامام الفاضل کمال‌الدین محمد الجامع المراغی قاضی مدینه سراء، رحمة الله علیه، فی مشیخته، وأخبرنی بها وجميع رواياته مؤرخ العراق الکمالی عبدالرزاق بن أحمد بن محمد بن أحمد الصابونی يعرف بابن الفوطی باجازه العامة التي كتبها فی شهر سنة سبع عشرة وسبعمائة.^{۷۶}

۷۳. هندوشاه بن سنجر نخجوانی؛ تجارب السلف؛ تصحیح عباس اقبال؛ چاپ ۳، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۶۳ (دبیاجه).

۷۴. هندوشاه بن سنجر نخجوانی؛ تجارب السلف، ص ۱۶. هندوشاه برای توضیح شرح حال فخرالدین محمد بن عمر الرازی «معجم اهل الادب» را نقل می‌کند و محتوای این بخش مشابه مطالب مجمع الآداب است (مجمع الآداب، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۵).

۷۵. در مورد سعدالدین و صدرالدین:

Melville, Charles, "Pādshāh-i Islām: The Conversion of Sultan Maḥmūd Ghāzān Khān," in *Pembroke Papers I*, ed. Charles Melville, Cambridge: University of Cambridge, 1990, pp. 159-177; Elias, Jamal J, "The Sufi Lords of Bahrabad: Sa'd al-Din and Sadr al-Din Hamuwayi," *Iranian Studies*, 27, 1-4, 1994, pp. 53-75.

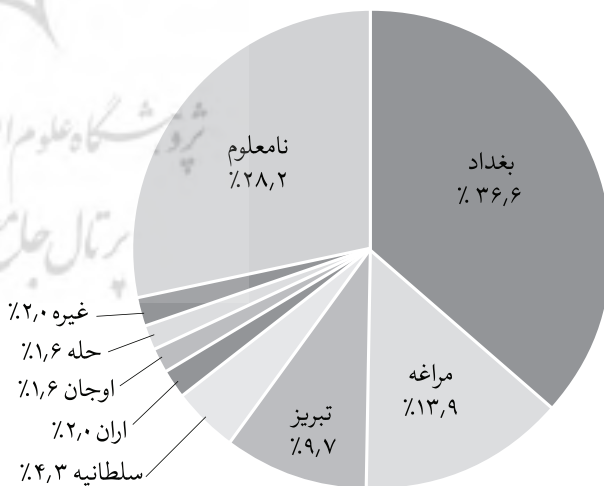
۷۶. غیاث‌الدین هبة الله ابن حمویه؛ مرادالمویدین؛ تصحیح سید علی اصغر میرباقری فرد؛ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۶.

فهرست شماره ۲ شامل مکان‌های ملاقات ابن فوطی با صاحبان شرح‌حال‌هاست. اشخاصی که نام آنها به علت نامعلوم بودن زمان ارتباطشان با ابن فوطی در فهرست ۱ وارد نشده است در این فهرست آمده‌اند.

ناگفته پیداست که به علت اقامت طولانی مدت ابن فوطی در بغداد، تعداد افرادی که وی در این شهر موفق به برقراری ارتباط با آنها شده از سایر مناطق بیشتر است، ولی نکته قابل توجه این است که آمار مربوط به شهرهای دیگر به اضافه مناطق نامعلوم تقریباً عددی مساوی آمار بغداد است. به ویژه شهرهایی همچون مراغه، تبریز و سلطانیه که از زمان حکومت ایلخانیان به سرعت توسعه یافتند و اران و اوجان که از چراگاه‌های مهم ایلخانیان بودند.

همان‌گونه که اشاره شد، در میان مراجع مجمع الآداب، اکثریت مطلق از آن کتاب‌های تألیف شده در بغداد است و این مسئله به ویژه در خصوص آثار بعد از قرن هفتم مشخص تر است، ولی در خصوص مکان ارتباطات ابن فوطی با صاحبان شرح‌حال‌ها برتری بغداد از بین رفته است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده تغییر محیط علمی و سیاسی و ظهور مراکز علمی و فرهنگی جدید و انطباق ابن فوطی با این تغییرات باشد. محیط علمی دوران عباسیان بر مراجع مجمع الآداب و محیط علمی و سیاسی حکومت ایلخانیان بر تماس‌ها و ارتباطات مؤلف کتاب اثر گذاشته است.

شهرهایی که ابن فوطی با صاحب ترجمه در آنجا ارتباط برقرار کرد



بغداد	مراغه	تبریز	سلطانیه	اراک
۲۰۱	۷۷	۵۴	۲۴	۱۱
اوجان	حله	اهر	سراو	کوفه
۹	۹	۵	۴	۲
موقان	ورای	همدان	محول	نامعلوم
۱	۱	۱	۱	۱۵۵

چنین مشخص است که غیاث‌الدین هبة‌الله در سال ۷۱۷ از ابن فوطی اجازه‌نامه گرفته است. از طرف دیگر شرح حال وی در مجمع‌الآداب نیامده و می‌توان تصور کرد که در آن هنگام کودک بوده است. اجازه‌نامه مندرج در شرح حال کمال‌الدین احمد بن نیال مذکور ارتباطی با ابن ماجرا ندارد.^{۷۷}

ابن عنبه (ت ۸۲۸ ق) نیز در همین حوزه جغرافیایی به ابن فوطی و کتاب او اشاره کرده است. او در چند اثر خود، عمدة الطالب الكبرى و الصغرى، و الفصول الفخرية، از «تلخیص مجمع‌الآداب» مطالبی را نقل نموده است.^{۷۸} ارتباط بین خود مجمع‌الآداب و این تلخیص مشخص نیست.

نکته مهم در مورد این ارجاعات در این منطقه جغرافیایی این است که اولاً تعداد آنها بسیار کم است و ثانیاً در مورد هندوشاه و ابن عنبه نمی‌توان با قطعیت نظر داد که مجمع‌الآداب (یا تلخیص آن) را مورد ارجاع قرار داده باشند.

از طرف دیگر، اشاره‌ها به ابن فوطی در منطقه شام کیفیات دیگری دارند. اولین شخصی که در شام به ابن فوطی اشاره کرده، ذهبی یا ابن فضل‌الله عمری (ت ۷۴۹) است. عمری فقط وفات ابن فوطی را مختصراً نوشته است.^{۷۹} ذهبی در کتاب خود، تاریخ الاسلام عبارت «کتب الینا عبدالرزاق الشیبانی»^{۸۰} و نیز در کتابی دیگر خود، المعجم المختص بالمحدثین عبارت «وقد کاتب الی دمشق یلتمس منی ترجمة بعض العلماء»^{۸۱} را می‌نویسد. احتمالاً ابن فوطی برای تألیف مجمع‌الآداب با وی ارتباط برقرار کرده و لذا شرح حال ابن فوطی در کتاب‌های او بسیار مفصل است.

ذهبی در ابتدای ذکر شرح حال ابن فوطی، او را «الشیخ الامام، المحدث، المورخ، العلامة، الاخباری، النسابة، المتکلم، الفیلسوف، الادیب»^{۸۲} یا «العالم البار المتفنن المحدث مورخ الآفاق مفخر اهل العراق»^{۸۳} می‌خواند. در عین حال در همان جا انتقادات وارد بر ابن فوطی را به نقل از ابن مطری بیان می‌کند: «وحدثني ابن المطیری [المطری؟] أنه بلغه أن ابن الفوطی کان یترک الصلاة ویدخل فی بلايا ویتعانی المسکر».^{۸۴}

ابن مطری (ت ۷۶۵) مدتی در بغداد به تحصیل مشغول بوده است،^{۸۵} ولی مشخص نیست که آیا شخصاً با ابن فوطی دیدار کرده یا از فرد دیگری در بغداد درباره وی این سخنان را شنیده است. خود ذهبی نیز در ضمن بیان شرح حال ابن فوطی از او به شدت انتقاد می‌کند: «ومع سعة معرفته لم یکن بالثبت فی ما یتترجمه ولا یتوزع فی مدح الفجار، ولم یکن بالعدل فی دینه، وهو معدود فی علماء التتار یاخذ جوائزهم ویجأوز فی إطرانهم».^{۸۶}

این گفته جایگاه ابن فوطی را از نظر تقرب به دولت ایلخانی منعکس می‌کند؛ بنابراین ذهبی دو انتقاد را

بر مبنای شرح حال‌هایی که افعال ابن فوطی را در سال ۷۰۵ در اراک گزارش می‌دهند، وی در آن زمان در خدمت اولجایتو یا در لشکر او بوده است. در سال ۷۰۶ نیز ابن فوطی در موقان در خدمت اولجایتو بود. بی‌شک یکی از اهداف وی از مسافرت به ایران پیوستن به لشکر اولجایتو بوده است.

گستره جغرافیایی منابع نیز قابل توجه است. به طور کلی مجمع‌الآداب تحت تأثیر تراجم نگارش یافته در بغداد، همچون آثار خطیب بغدادی، سمعانی، ابن دبیتی و ابن نجار و در یک بیان کلی تألیفات عراقی قرار گرفته است. در عین حال ابن فوطی از تألیفات آسیای میانه، حتی اندلس نیز استفاده کرده است.

۷۷. مجمع‌الآداب، ج ۴، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۷۸. ابن عنبه؛ عمد الطالب فی انساب آل ابی طالب؛ تصحیح سیدمهدی الرجائی؛ قم؛ مکتبه سماحة آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی الكبرى؛ ۱۳۸۳ ش، ص ۳۲۲. عمدة الطالب الصغرى فی نسب آل ابی طالب؛ تصحیح سیدمهدی الرجائی؛ قم؛ مکتبه سماحة آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی الكبرى، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۴۷. الفصول الفخرية؛ تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۵۳.

۷۹. ابن فضل‌الله عمری؛ مسالك الإبصار فی ممالک الامصار؛ تصحیح کامل سلیمان الجبوری؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیة، ۲۰۱۰ م، ج ۲۷، ص ۳۴۳.

۸۰. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۲۱۱.

۸۱. ذهبی؛ المعجم المختص بالمحدثین؛ تصحیح محمد الجیب هیلة؛ الطائف؛ مکتبه الصدیق، ۱۹۸۸ م، ص ۱۴۵.

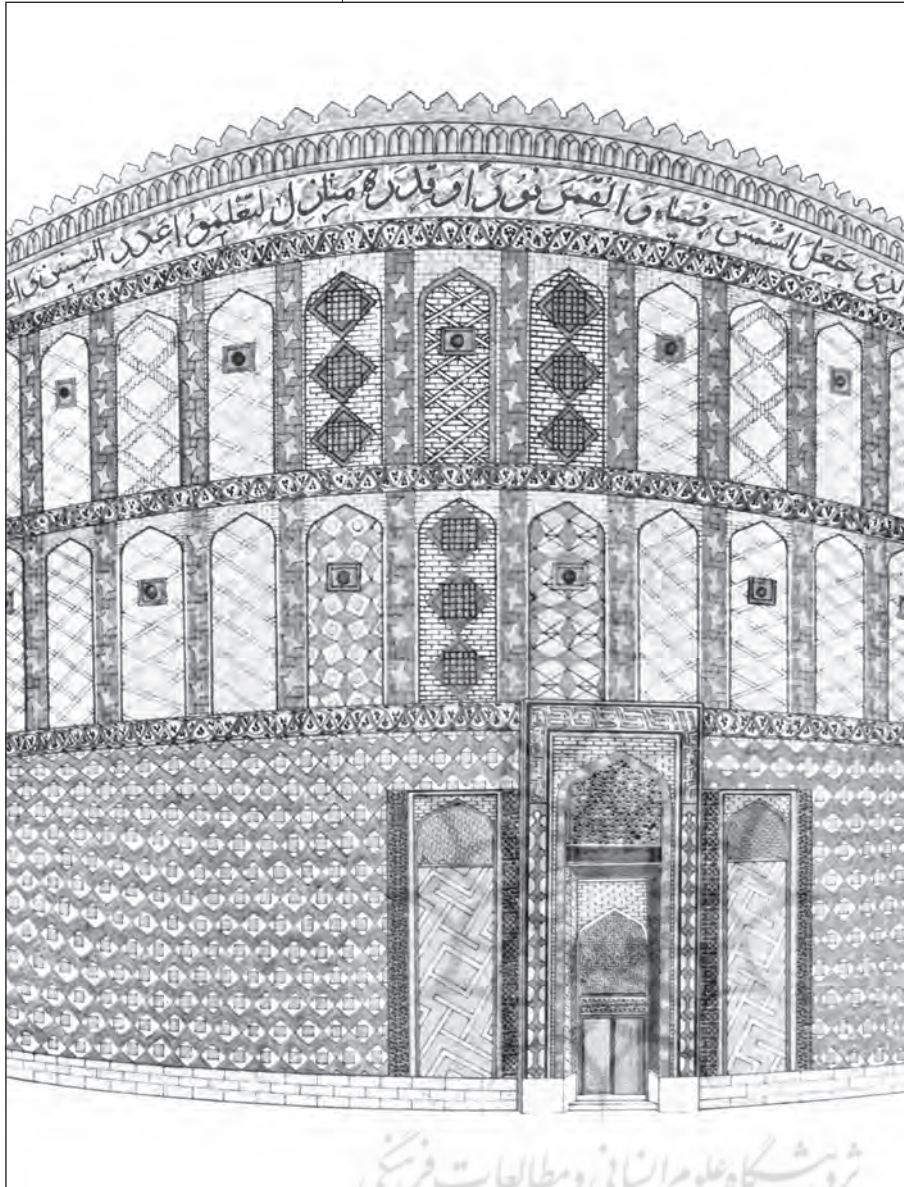
۸۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۲۱۰.

۸۳. ذهبی، تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۹۳.

۸۴. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۲۱۲.

۸۵. ذهبی؛ معجم الشیوخ؛ تصحیح عبدالرحمن السیوفی؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۰ م، ص ۲۷۰. در مورد شرح حال ابن مطری؛ تاج‌الدین السبکی؛ الطبقات الشافعية الكبرى؛ تصحیح محمد محمود طنحی و عبدالفتاح محمد حلوی؛ [مصر]؛ دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۴ م، ج ۱۰، ص ۳۴-۳۵؛ محمد بن رافع السلامی؛ الوفيات؛ تصحیح مهدی عباس؛ بیروت؛ مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۲۸۲.

۸۶. ذهبی، المعجم المختص بالمحدثین، ص ۱۴۴.



تصویر بازسازی شده برج
صدخانه‌مراغه

طرح از دکتر پرویز ورجاوند
اجرا از: غلامرضا عدالت

نسبت به ابن فوطی اظهار داشته است. مورخان شامی مثل ابن شاکر کتبی (ت ۷۶۴)، صفدی (ت ۷۶۴)، ابن کثیر (ت ۷۷۴) و... شرح حال ابن فوطی را به استثنای نکات انتقادی آن از ذہبی به میراث برده‌اند.^{۸۷}

بعد از ذہبی دو مورخ دیگر محمد بن رافع سلّامی (ت ۷۷۴ ق) و ابن رجب (ت ۷۹۵) که اصالت بغدادی داشته و سپس به شام رفته‌اند در مورد ابن فوطی نوشته‌اند. سلّامی در اثر خود، منتخب المختار در ضمن بعضی از تراجم دیگر به ابن فوطی اشاره کرده است،^{۸۸} ولی به علت اینکه در این موارد هرگز از کتاب مجمع الآداب نام نبرده مشخص نیست که آیا واقعاً این کتاب را خوانده بوده است یا خیر. مسئله قابل توجه این است که حداقل در هفت مورد از این تراجم، مثلاً «جمال»، «شرف»، «شهاب»، «صفی»، «نجم» و «نور»، لقب‌های صاحب شرح حال در جزء موجود از مجمع الآداب نیامده است. در خصوص شرح حالی که در جزء موجود از مجمع الآداب دیده می‌شود نیز نمی‌توان آن را کاملاً منطبق بر مطالب آن کتاب دانست.^{۸۹}

ابن رجب نیز در کتاب ذیل علی طبقات الحنابل چند بار به ابن فوطی اشاره کرده است.^{۹۰} ابن رجب اولین کسی است که ابن فوطی را عالمی حنبلی دانسته است. او اطلاعات راجع به شرح حال ابن فوطی را علاوه بر ذہبی از علمای بغدادی و پسر ابن فوطی، ابوالمعالی محمد دریافت کرده است.^{۹۱} سلّامی و ابن رجب هر دو مدتی در بغداد اقامت داشتند و می‌توانستند از علمای بغدادی و کتاب‌های موجود در این شهر

۸۷. ابن شاکر کتبی؛ فوات الوفيات؛ تصحيح احسان عباس؛ بيروت؛ دار صادر، ۱۹۷۳-۷۴ م، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰. صفدی؛ اعيان العصور واعوان النصارى؛ تصحيح على ابوزيد وغيره؛ بيروت؛ دار الفكر المعاصر، ۱۹۹۸ م، ج ۲، ص ۶۲-۶۳. صفدی؛ كتاب الوافي بالوفيات؛ تصحيح احمد الزين و اوط و تلکى مصطفى؛ بيروت؛ دار احياء التراث العربى، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۲۵۰-۲۵۱. ابن کثير، البداية والنهاية، ج ۱۶، ص ۱۶۴. از آنها صفدی نقل از ذہبی را به طور واضح می‌نویسد.

۸۸. محمد بن رافع سلّامی؛ تاريخ علماء بغداد مسمى منتخب المختار؛ تصحيح المحامى عباس العزاوى؛ بيروت؛ دار العربية للموسوعات، ۲۰۰۰ م، صص ۲۲، ۵۶، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۶-۱۷۹.

۸۹. فى المثل در شرح حال کمال الدين محمد بن محمد بن محمود واسطی، سلّامی از ابن فوطی نقل می‌کند: «قال ابن الفوطی لم سمع منه شيئاً و اجاز لى جميع مسموعاته» (محمد بن رافع سلّامی، تاريخ علماء بغداد مسمى منتخب المختار، ص ۱۶۷). همین شرح حال در مجمع الآداب: «كتب لى الاجازة بسعى المفيد جمال الدين ابى بكر احمد بن على القلانسى و رأيتہ ولم أكتب عنه شيئاً» (مجمع الآداب، ج ۴، ص ۲۵۱).

۹۰. ابن رجب شرح حال شاگرد ابن فوطی را هم نوشته است، فى المثل: ابن رجب، كتاب ذيل على طبقات الحنابل، ج ۲، ص ۳۷۹.

۹۱. ابن رجب، كتاب ذيل على طبقات الحنابل، ج ۲، ص ۳۷۵.

اطلاعات مورد نیاز خود را جمع‌آوری کنند.

چند نکته را می‌توان درباره کیفیت ثبت شرح حال ابن فوطی توسط مورخان شامی بیان کرد. نخست آنکه آنها تحت تأثیر توصیف ذهبی قرار داشتند، دوم آنکه شرح حال اصیل ابن فوطی توسط اشخاصی نوشته شده است که با ابن فوطی ارتباط برقرار کرده یا در بغداد بوده‌اند و سوم آنکه نمی‌توان دلیلی مقلع یافت که نشان دهد آنها اطلاعات خود را از مجمع الآداب نقل کرده‌اند. از این رو چنان تصور می‌شود که مورخان شامی به کتاب مجمع الآداب دسترسی نداشته یا نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند.

ابن فوطی و جامعه روشنفکران

الف) ابن فوطی و احادیث خلیفه مستعصم

با وجود اینکه ابن فوطی توسط ذهبی و مورخان دیگر «مورخ و محدث (راوی حدیث)» دانسته شده است، پژوهشگران تا کنون به فعالیت او به عنوان راوی حدیث توجهی نکرده‌اند، اما با توجه به این جنبه از فعالیت‌های وی می‌توان نکاتی را از ویژگی‌های جامعه روشنفکران قرون هفتم و هشتم دریافت.

بر مبنای متن مجمع الآداب، ابن فوطی احادیث منقول توسط آخرین خلیفه عباسی، مستعصم را از استاد خود محیی‌الدین ابن جوزی روایت کرد. در شرح حال محیی‌الدین چنین آمده است: «(محیی‌الدین) حصل له القلب والاختصاص فی حضرة الامام المستعصم بالله، وسمع عليه الاحادیث الثلاثة عشر وسمعناها عليه سنة ثلاث وخمسين أو ستمائة».^{۹۲}

در مجمع الآداب مکرراً به این احادیث اشاره شده است. علاوه بر این پسر مستعصم، ابوالمنقب مبارک احادیث پدرش را در مراغه برای ابن فوطی روایت کرده است.^{۹۳} عنوانی که به این مجموعه از احادیث داده شده متنوع است و غیر از «الاحادیث الثلاثة عشر»، با عنوان‌هایی همچون «الاحادیث الثلاثیات»، «الاحادیث الثمانية»، «الاخبار الثلاثة عشر الثمانيات» و «الاخبار الثمانيات الثلاثة عشر» خوانده شده‌اند.^{۹۴} وجه تفاوت میان این عناوین مشخص نیست و محتوای این احادیث هم به دست ما نرسیده است. تنها واضح است که مستعصم مجموعه‌ای حدیثی تهیه کرده که از طریق محیی‌الدین و ابوالمنقب مبارک به ابن فوطی رسیده است.

در سال ۷۰۶ ابن فوطی در تبریز در زاویه فیلسوف بزرگ، قطب‌الدین شیرازی (ت ۷۱۰) این احادیث را برای دیگران روایت کرد. در آن زمان نوه مستعصم، پسر ابوالمنقب المبارک، ابونصر محمد^{۹۵} نیز حضور داشته و او و ابن فوطی این احادیث را باهم روایت کرده‌اند.^{۹۶} وی سپس در سال ۷۱۵ نیز این روایت را تکرار کرده است.^{۹۷} ابن فوطی در نامه‌ای به ذهبی نیز به روایت این احادیث پرداخته است و این احادیث در تاریخ الاسلام منعکس شده‌اند تا آنجا که نویسندگان می‌دانند این تنها جایی است که محتوای احادیث مستعصم در آن انعکاس یافته است.

کتب إلینا عبدالرزاق الشیبانی: حدّثنا محیی‌الدین یوسف ابن الجوزی، سماعاً منه سنة ۶۴۳ قال: قرأت علی الإمام المستعصم بالله أبی أحمد قال: أنا محمد بن محمد بن بدر الاصفهانی إذنا: أنبا غانم بن أحمد الجلودی، أنبا محمود بن عبدالله بن ماشاذه قراءة: ثنا عبیدالله بن حبابه، ثنا البغوی، ثنا طالوت، ثنا فضال بن جبیر، ثنا أبوأمامة: سمعت رسول الله ص يقول «أول الآيات طلوع الشمس من مغربها».^{۹۸}

غیر از ابن فوطی، محمد بن رافع سلامی نیز به احادیث مستعصم اشاره کرده است، ولی عنوان آن احادیث در بیان وی متفاوت است و مثلاً در یک شرح حال «اربعین حدیث»^{۹۹} و در شرح حالی دیگر «الاحادیث الثلاثة»^{۱۰۰} ذکر شده است.

طبق گفته ابن کثیر، مستعصم با کمک مورخ ملازم خود، ابن نجار (ت ۶۴۳) از محدثین خراسانی مانند مؤید طوسی (ت ۶۱۷)، ابوروح عبدالعزیز بن محمد هروی (ت ۶۱۸) و ابوبکر القاسم بن عبدالله بن الصفار (ت ۶۱۸)، اجازه نقل حدیث دریافت کرده بود. خود وی نیز برای محیی‌الدین ابن جوزی و نجم‌الدین بادرائی اجازه صادر کرد و این دو شخص با استفاده از همین اجازه از مستعصم برای دیگران حدیث روایت کردند.^{۱۰۱} این موضوع به همان احادیثی اشاره دارد که

۹۵. طبق گفته ابن کازرونی، ابونصر محمد پسر ابوالمنقب المبارک در سنه ۶۵۱ به دنیا آمد و در سنه ۶۵۲ فوت کرد (ابن کازرونی؛ مختصر التاریخ؛ تصحیح مصطفی جواد؛ بغداد: دار افرأ، ۱۹۹۱ م، ص ۲۷۵-۲۷۶). ابن توصیف با توصیف ابن فوطی تناقض دارد. علاوه بر این اگر گفته ابن کازرونی درست باشد، در سال تولد ابونصر محمد، پدر وی المبارک فقط ۱۱ سال داشته است. توصیف ابن کازرونی بسیار غیرطبیعی است. بر مبنای کتاب الحوادث که چند پژوهشگر آن را از آثار ابن فوطی دانسته‌اند، ابونصر محمد پسر مستعصم بود و در سنه ۶۵۲ با مادر خود از دنیا رفت (نامعروف؛ کتاب الحوادث؛ تصحیح بشار عواد معروف و عماد عبد السلام رؤوف؛ بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۷ م، ص ۳۱۹). ممکن است که ابن کازرونی این دو فرد همنام را با یکدیگر اشتباه گرفته باشد.

۹۶. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۱۴۴؛ ج ۳، ص ۴۷۰؛ ج ۴، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۹۷. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۴۰۰-۴۰۱.

۹۸. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۲۱۱.

۹۹. محمد بن رافع سلامی، تاریخ علماء بغداد مسمی منتخب المختار، ص ۹۷-۹۸. در اینجا راوی این احادیث ابوالفتح محمد بن محمد بن الیوردی است.

۱۰۰. محمد بن رافع سلامی، تاریخ علماء بغداد مسمی منتخب المختار، ص ۱۱۹. صاحب این شرح حال نیز همچون ابن فوطی این احادیث را از محیی‌الدین ابن جوزی روایت کرده است.

۱۰۱. ابن کثیر، البداية والنهاية؛ تصحیح عبد القادر الناووظ و غیره؛ بیروت: دار ابن کثیر، ۲۰۱۰ م، ج ۱۵، ص ۳۱۹.

۹۲. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۱۲۲. این روایت در مدرسه بشیریه در بغداد انجام شده است (مجمع الآداب، ج ۴، ص ۵۴۲-۵۴۳؛ ج ۵، ص ۸-۷).

۹۳. ذهبی، تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۴۹۴.

۹۴. «الاحادیث الثلاثیات» (مجمع الآداب، ج ۴، ص ۵۴۲-۵۴۳)، «الاحادیث الثمانية» (ج ۵، ص ۸-۷)، «الاخبار الثلاثة عشر الثمانيات» (ج ۳، ص ۴۷۰) و «الاخبار الثمانيات الثلاثة عشر» (ج ۲، ص ۱۴۴).

مطالبی دیده می‌شود.^{۱۰۵} در شرح حال مجدالدین عبدالله طبری آمده که در سال ۶۷۹ اجازه‌نامه‌ای گروهی از مکه نزد ابن فوطی فرستاده شد:

كتب لنا الاجازة من الحرم الشريف سنة تسع وسبعين و ستمائة، وأجازني في جماعة كتبها في إجازة جامعة، وكان السفير في ذلك شيخنا العدل الثقة رشيد الدين ابو عبدالله محمد بن عمر بن أبي القاسم المقرئ المحدث.^{۱۰۶}

مجدالدین طبری از خانواده معتبراهل مکه آل طبری بود.^{۱۰۷} او به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان در این امر، اجازه‌نامه گروهی را برای ابن فوطی فرستاد. چنان‌که پیش‌تر بیان شد در حدود سال ۶۷۹ ابن فوطی به بغداد بازگشت کرد. بنابراین او که گیرنده آن اجازه بوده، در بغداد حضور داشته است. واسطه این اجازه، رشیدالدین محمد (ت ۷۰۷) از راویان حدیث معتبر حنبلی در بغداد بود.^{۱۰۸} او به ابن فوطی نزدیک بود و برای وی حدیث روایت می‌کرد.^{۱۰۹}

از نقل قول مذکور مشخص است که چند عالم که در یک زمان واحد در شهری حضور داشته‌اند، برای یک یا چند عالم در شهری دیگر اجازه صادر می‌کردند.^{۱۱۰} در همان سال فرد دیگری از آل طبری، محب‌الدین احمد طبری نیز برای ابن فوطی اجازه نقل حدیث فرستاد. ممکن است که او نیز در همان اجازه‌نامه گروهی مشارکت داشته است،^{۱۱۱} ولی مشخص نیست که آیا گیرنده این اجازه‌نامه تنها ابن فوطی بوده یا اینکه چند مخاطب دیگر نیز داشته است.

اجازه‌نامه گروهی که از دمشق به بغداد فرستاده شد، مقیاس، اهمیت و مختصات پیچیده‌تر و قابل توجه‌تری داشت. به این اجازه‌نامه گروهی در شرح حال راوی حدیث دمشق، علم‌الدین سنجر اشاره شده است:

۱۰۵. زکیه حسن ابراهیم الدیلمی در مورد مکان‌های ارسال اجازه‌نامه‌های ابن فوطی پژوهش کرده است، ولی در خصوص دمشق و مکه به نمونه‌های اجازه‌نامه گروهی اشاره نکرده است (الدیلمی، المؤرخ البغدادي ابن الفوطی و کتابه، ص ۱۷۱-۱۷۲).

۱۰۶. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۴۳۷.

۱۰۷. در مورد آل طبری:

Bauden, Frederic, "Les Tabariyya: Histoire d'une importante Famille de la Mecque (fin XII^e-fin XV^e s.)," in U. Vermeulen & D. de Smet (eds.), *Egypt and Syria in the Fatimid, Ayyubid and Mamluk Eras: Proceedings of the 1st, 2nd and 3rd International Colloquium organized at the Katholieke Universiteit Leuven in May 1992, 1993 and 1994*, Leuven: Utigeverij Peeters, pp. 253-266.

۱۰۸. ابن رجب، کتاب ذیل علی طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۱۰۹. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ ج ۴، ص ۲۰۷؛ ج ۵، ص ۱۰۰؛ ج ۴۰۷؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵۳، ص ۴.

۱۱۰. تا جایی که نویسنده بررسی کرده است، اشاره‌ای مبنی بر اینکه ابن فوطی به مکه یا مجدالدین به سرزمین ایلخانی رفته باشد وجود ندارد. فی‌المثل در شرح حال مجدالدین طبری در العقد الثمین تألیف محمد بن احمد فاسی، اشاره‌ای به سفر او به سرزمین ایلخانی نیست. (محمد بن احمد فاسی؛ العقد الثمین فی تاریخ البلاد الامین؛ تصحیح محمد حامد الفیقی؛ بیروت مؤسسه الرسالة، ۱۹۸۶-۸۷ م، ج ۵، ص ۲۶۷-۲۷۹).

۱۱۱. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۷-۶؛ اما واسطه فرستادن اجازه با اجازه مجدالدین فرق می‌کند.

ابن فوطی آنها را روایت کرده است. این شیوه مستعصم در اجازه‌گرفتن و اجازه‌دادن، با روش پدر جد وی ناصرالدین الله (ت ۶۲۲) مشابهت دارد. ناصر خودش را مجتهد می‌دانست و مجموعه‌ای از چهل حدیث با نام روح العارفین را تألیف کرده و اجازه روایت این احادیث را برای علما صادر کرد. این اقدامات برای تقویت موقعیت مقام خلافت و نفوذ آن در حوزه‌های علمی انجام می‌شد.^{۱۱۲} سلامی عقیده دارد که مورخی عراقی، ابن ساعی (ت ۶۷۴) سه کتاب به نام‌های «الروض الناصرفی اخبار الناصر»، «اخبار الظاهر»، «اعتبار المستبصر فی اخبار المستنصر» را تألیف کرده است.^{۱۱۳} اگر این سه کتاب مشتمل بر احادیث روایت شده توسط سه خلیفه عباسی ناصر، پسرش ظاهر و نوه‌اش مستنصر باشند، می‌توان تصور کرد که درست‌کردن مجموعه‌های حدیثی برای خلفا در انتهای عمر خلافت عباسی به یک رسم تبدیل شده است. احتمالاً مستعصم نیز برای ثابت‌کردن جایگاه علمی خودش، طریقه پدر جدش را در پیش گرفته است.

نقل احادیث توسط خلیفه و روایت آن احادیث به وسیله دیگران چه معنا و مقصودی را در ورای خود داشته است؟ با آنکه چند مورخ و مؤلف به روح العارفین اشاره کرده و نسخ خطی این اثر نیز موجود است، همان‌طور که اشاره شد، احادیث روایت شده توسط مستعصم به دست ما نرسیده و به جز ابن فوطی، هیچ شخص دیگری مستقیماً به آن اشاره نکرده است. بنابراین هر چند حمله مغول و تخریب‌های ناشی از آن در از بین رفتن این احادیث بی‌تأثیر نبوده‌اند، نمی‌تونیم قضاوت بکنیم که احادیث مستعصم به اندازه روح العارفین تأثیرگذار و مهم بوده باشند. در عین حال این حقیقت قابل توجه است که اعتبار مستعصم به عنوان مؤلف احادیث حتی در زمان ایلخانیان نیز کمابیش وجود داشته است. به عبارت دیگر روایت این احادیث می‌تواند نشانه‌ای از تأثیر فرهنگ علمی اواخر دوره عباسی در فرهنگ دوران ایلخانی باشد.

ب) اجازه‌نامه گروهی

ویژگی دیگر ابن فوطی به عنوان راوی حدیث، شرکت در «الاجازة الجامعة (اجازه‌نامه گروهی)» است.^{۱۱۴} در مجمع الآداب در باب این نوع اجازه‌نامه‌ها که از مکه به بغداد و از دمشق به بغداد فرستاده شده است

102. Hartmann, Angelika, an-Nāṣir li-Dīn Allāh (1180-1225): Politik, Religion, Kultur in der späten 'Abbasidenzeit, Berlin & New York: Walter de Gruyter, 1975, pp. 206-232..

۱۰۳. محمد بن رافع سلامی، تاریخ علماء بغداد مسمی منتخب المختار، ص ۱۱۱. بر مبنای همین شرح حال، ابن ساعی برای مستعصم «سیرة المستعصم» را تألیف کرده است.

۱۰۴. در مورد این اجازه‌نامه، نویسنده پیش از این مقاله‌ای را به زبان ژاپنی نوشته است. عنوان انگلیسی آن چنین است:

Mizukami, Ryo, "The Group Ijāza Referred to by Ibn al-Fuwaṭī in the Late 13th Century: Connection between the scholarly communities in Baghdad, Damascus and Mecca" (in Japanese), *Orient*, 57-1, 2014, 62-72.

لما وردت الاجازة الجامعة المشتملة على مائة وخمسين إنساناً من دمشق إلى مدينة السلام سنة ست وتسعين وستمائة كان فيها ذكر أيوب بن الأمير الكبير المحدث علم الدين سنجر بن عبد الله الدواداري الصالحی، وكتب فيهما.^{۱۱۲}

البته در اینجا به تفصیل در باب این اجازه نامه سخن نرفته است. در شرح حال عمادالدین محمد نیز ذکر این اجازه نامه مشاهده می‌شود:

لما وردت الاجازة الجامعة المشتملة على ذكر أولاد الأفاضل والعلماء والأكابر والفقهاء من دمشق إلى مدينة السلام سنة ست وتسعين وستمائة، كان فيها ذكر أبي الحسن [علی و محمد ابني عماد الدين المذكور، وكتب فيهما والحمد لله].^{۱۱۳}

از فحوای این دو شرح حال این نکات مهم مشخص می‌شود: نخست آنکه این اجازه نامه گروهی در خصوص ۱۵۰ نفر از فرزندان خاندان‌های متنفذ دمشق صادر شده است. دوم آنکه نه نام خود صاحب شرح حال، بلکه نام فرزند وی در این اجازه نامه ذکر شده است. سوم آنکه ابن فوطی پاسخی را بر این اجازه نامه نوشته است. غیر از این دو نمونه، در سه شرح حال دیگر نیز به توصیف همین حادثه در سال ۶۹۶ اختصاص یافته‌اند.^{۱۱۴}

ولی همچنان در مورد ارتباط اجازه دهنده و گیرنده تردیدی باقی می‌ماند: آیا اجازه دهنده‌ها در واقع ۱۵۰ کودک بودند؟ فرزندان این گروه‌های متنفذ دمشق، مثل ایوب، علی و محمد مذکور، صاحب شرح حالی در مجمع‌الآداب نیستند و به سبب اینکه حتی لقب خودشان ذکر نمی‌شود، می‌توان تصور کرد که در آن زمان کودک بوده‌اند. از طرف دیگر در سال ۶۹۶ ابن فوطی تقریباً ۵۱ ساله بوده است. نمی‌توان احتمال داد که کودکان برای او اجازه صادر کرده باشند. بنابراین باید تصور کنیم که این اجازه نامه در واقع استجازه‌ای (= طلب اجازه) بوده که پدران برای فرزندانشان تهیه کرده بودند و پاسخ ابن فوطی در حکم تأیید این استجازه بوده است. علاوه بر این از آنجا که این استجازه گروهی برای ۱۵۰ کودک انجام شده است، گیرنده آن فقط شخص ابن فوطی نبوده، بلکه احتمالاً تعدادی دیگر از علمای بغدادی نیز مخاطب آن بوده‌اند، چنان‌که در متن استجازه مقصد اصلی آن «مدینه السلام» ذکر شده است، نه شخص ابن فوطی. بعد از تأیید علمای بغداد بر این استجازه اجازه نامه‌ای گروهی به دمشق پس فرستاده شد.

فرستادن استجازه گروهی از دمشق به بغداد غیر از مورد مربوط به سال ۶۹۶ در سال‌های ۶۸۷ و ۶۹۸ نیز تکرار شده است.^{۱۱۵} علاوه بر این محمد بن رافع سلامی نیز ذکر کرده است که می‌تواند اشاره دیگری به این گونه اجازه نامه‌های گروهی در حوزه جغرافیایی دمشق باشد:

ابن الجالوت العباسی عبدالمغیث بن ابی جعفر بن الجالوت العباسی المأمونی ابوالفضل الحرابی الشریف شرف الدین. قال شیخنا ابو عبد الله (شمس الدین محمد) الذهبی و اجاز مرویاته لا ولادی ومن معهم فی استدعاء ابراهیم بن البرزالی.^{۱۱۶}

ذهبی برای فرزندان خود احتمالاً از عالم بغدادی، ابن جالوت عباسی، استجازه کرده و در همان استجازه، نام ابراهیم پسر مورخ شامی، القاسم بن محمد برزالی (ت ۷۳۹) نیز درج شده است. به عبارت دیگر دو مورخ شامی، ذهبی و برزالی برای پسران خودشان استجازه مشترکی را به بغداد فرستادند. این امر با توصیفی

با وجود اینکه ابن فوطی توسط ذهبی و مورخان دیگر «مورخ و محدث (راوی حدیث)» دانسته شده است، پژوهشگران تا کنون به فعالیت او به عنوان راوی حدیث توجهی نکرده‌اند، اما با توجه به این جنبه از فعالیت‌های وی می‌توان نکاتی را از ویژگی‌های جامعه روشنفکران قرون هفتم و هشتم دریافت.

علی رغم کثرت تألیف آثار تراجم در تاریخ اسلام، تعداد کتاب‌هایی که مؤلفان نشان با روشنفکران غیرمسلمان آشنایی داشته و تراجم آنان را در اثر خود ثبت کنند بسیار اندک است. همین امر می‌تواند بیانگر یکی از ویژگی‌های مجمع‌الآداب باشد.

۱۱۲. مجمع‌الآداب، ج ۱، ص ۵۲۳.

۱۱۳. مجمع‌الآداب، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۱۱۴. مجمع‌الآداب، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ج ۳، ص ۱۱؛ ج ۵، ص ۵۱.

۱۱۵. مجمع‌الآداب، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ج ۲، ص ۹؛ ص ۴۵۵-۴۵۶؛ ج ۴، ص ۸۳.

۱۱۶. محمد بن رافع سلامی، تاریخ علمای بغداد مسمی منتخب المختار، ص ۱۰۳.

که ابن فوطی از اجازه‌نامه گروهی ارائه نموده است مشابهت دارد. می‌توان حدس زد که صدور و دریافت استجازه و اجازه‌نامه گروهی بین بغداد و دمشق به صورت یک رسم مکرر درآمده است.

از طرف دیگر نمی‌توان در جزء موجود مجمع الآداب هیچ نمونه‌ای از استجازه گروهی از بغداد به دمشق (یا اجازه‌نامه گروهی از دمشق به بغداد) را پیدا کرد. این حقیقت بسیار جالب توجه است که ابن فوطی در سال‌های ۶۸۰، ۶۸۲ و ۶۸۳ از علمای دمشق اجازه نقل حدیث دریافت کرده بود.^{۱۱۷} این تاریخ‌ها مربوط به زمانی پیش از استجازه گروهی از دمشق است. به عبارت دیگر به نظر می‌آید که ابن فوطی در فاصله میان سال‌های ۶۸۳ و ۶۸۷، از اجازه‌گیرنده به اجازه دهنده تبدیل شده است. ممکن است که اجازه‌ای که از دمشق به وی داده شده اجازه‌نامه‌ای گروهی بوده باشد، ولی اکنون نمی‌توان با قطعیت در این باره نظر داد.

ابن فوطی محتوا و مقصود اجازه‌نامه گروهی را بیان نمی‌کند. بنابراین باید در این خصوص به حدس و گمان متوسل شویم. بی‌شک دادن و گرفتن اجازه و استجازه گروهی میراث‌بری علمی و سیاسی پسران از پدران و ظهور یک جریان جدید را در آن زمان منعکس می‌کند. برحسب نظر موربیاما، تا قرن ششم اهمیت سفر علمی علما به شهرهای بزرگ و مراکز علمی همچون بغداد به تدریج تنزل پیدا کرده بود؛^{۱۱۸} بدان سبب که در مناطقی که به عنوان مراکز شناخته شده بودند، فعالیت محدثین و ارزیابی و سنجش کار آنان به میزان کافی انجام پذیرفته بود.^{۱۱۹} احتمالاً حتی بعد از کاسته شدن از اهمیت سفر علمی، اهمیت گرفتن اجازه‌نامه از علمای دیگر شهرها اعتبار خود را حفظ کرده بود. اجازه‌نامه گروهی روشی سودمند بود که علما از طریق آن می‌توانستند بی‌رنج سفر به کسب اجازه‌نامه از علمای معتبر مناطق دیگر نائل آیند.

در عین حال در آن زمان علما برای فراهم کردن سابقه‌ای مثبت به دریافت و جمع‌آوری اجازه‌نامه از علمای معتبر نیاز داشتند. هدف دیگران آن از این کار این بود که ادامه فعالیت علمی و سیاسی خاندان خود را توسط فرزندان و نسل‌های بعدی تسهیل کنند.^{۱۲۰} مشخصه دیگر اجازه‌نامه گروهی همین نکته است که فعالیت جمع‌آوری اجازه‌نامه از طریق گونه‌ای تشریک مساعی میان گروه‌های دانشمندان، هم در درون یک شهر و هم در بین شهرهای مختلف صورت می‌گرفت. ارتباط بین بغداد و دمشق از طریق اجازه‌نامه‌های گروهی شاید یک پدیده کوتاه‌مدت نبوده باشد، بلکه نشانگر جریانی طولانی باشد که در آن، دو جامعه علمی ارزش یکدیگر را پذیرفته‌اند. به تدریج این آیین صدور و دریافت اجازه‌نامه‌های گروهی به صورت آیینی مستمر درآمده است. می‌توان حدس زد که ابن فوطی نیز به عنوان عالمی بغدادی در این آیین مشارکت می‌جسته و تنها یک لحظه از آن را در اثر خود گزارش کرده است.

ج) ابن فوطی و شیعیان

همان‌طور که در بحث از زندگی‌نامه ابن فوطی ذکر شد، مذهب وی مشخص نیست. به نظر می‌آید که برای او معیار دین و مذهب در نحوه ارتباط با دیگران چندان اهمیتی نداشته است؛ چراکه وی در مجمع الآداب در بیان شرح حال شیعیان و یهودیان با لحنی مثبت و آمیخته به تحسین از آنان سخن گفته است. از مجرای این شرح حال‌ها، فعالیت‌های این گروه‌ها و نیز طرز تلقی ابن فوطی در خصوص آنها روشن می‌شود.

همان‌طور که در بحث از زندگی‌نامه ابن فوطی ذکر شد، مذهب وی مشخص نیست. به نظر می‌آید که برای او معیار دین و مذهب در نحوه ارتباط با دیگران چندان اهمیتی نداشته است؛ چراکه وی در مجمع الآداب در بیان شرح حال شیعیان و یهودیان با لحنی مثبت و آمیخته به تحسین از آنان سخن گفته است. از مجرای این شرح حال‌ها، فعالیت‌های این گروه‌ها و نیز طرز تلقی ابن فوطی در خصوص آنها روشن می‌شود.

۱۱۷. سال ۶۸۰: مجمع الآداب، ج ۲، ص ۳۲۰-۳۲۱. سال ۶۸۲: ج ۱، ص ۵۰۵؛ ج ۲، ص ۳۱۹. سال ۶۸۳: ج ۴، ص ۲۰۴؛ ص ۲۳۵؛ ص ۵۵۳.

118. Moriyama, Teruaki, "The Establishment of the Islamic Knowledge and Changes in its Proliferation: The Case of Nishapur between the 10th and 12th Centuries" (in Japanese), *Shigakuzasshi* (published in Tokyo), 113-8, 2004, pp. 1-33.

119. Moriyama, Teruaki, "Travels for Knowledge: The Logic of the Importance of Hadith Scholars' Travels" (in Japanese), in *Movement and Network in History*, ed. Metropolitan Historical Association, Tokyo: Sakurai Shoten, 2007, pp. 83-115.

۱۲۰. چانیرلین نیز اشاره می‌کند که علمای دمشقی در آن زمان سعی کردند برای فرزندانشان تا حد امکان اجازه‌نامه‌های بیشتری از علمای دیگر بگیرند (۱۱۹۰، Cambridge: Cambridge-Chamberlain, Michael, Knowledge and Social Practice in Medieval Damascus, p. ۸۸، University Press, ۱۹۹۴). حدیث‌شناس مشهور ابن صلاح (ت ۶۴۳) در مورد اجازه‌نامه صادر شده برای کودکان بیان می‌کند که اگر اجازه‌نامه بعد از تولد صادر شود معتبر است (ابن صلاح: مقدمة ابن الصلاح فی علم الحدیث؛ تصحیح صلاح بن محمد بن عویضة؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۳ م، ص ۱۹۹؛

Robson, James, "Standards Applied by Muslim Traditionists," *Bulletin of the John Rylands Library Manchester*, 43, 1960-61, pp.471-472.)

سال ۶۷۸ یا ۶۷۹ اتفاق افتاده باشد. طبق گفته عویناتی ابن میثم در زمان حکمرانی عظاملک جوینی در سال‌های ۶۷۷ تا ۶۸۱ به بغداد آمده و در آنجا چند کتاب تصنیف کرده است.^{۱۲۶} دیدار این دو تن باید در همین زمان رخ داده باشد.

ابن طقطقی مؤلف الفخری (ت نخستین سال‌های قرن ۸) نیز یک از دوستان ابن فوطی بود و در سال ۶۸۷ با او دیدار کرد.^{۱۲۷} اگرچه به مکان وقوع این دیدار اشاره‌ای نشده، اما از شهرهایی که در همان سال ابن فوطی در آنها بوده است، می‌توان حدس زد که این ملاقات در بغداد یا حله انجام شده است. همچنین در ضمن شرح حالی دیگر دیگر اشاره شده است که ابن فوطی در خانه او بود.^{۱۲۸}

آل طاووس در آن زمان نزدیک‌ترین گروه شیعی به ابن فوطی بودند. آل طاووس خاندانی معتبر از شیعیان حله بودند و مشهور است که رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس (ت ۶۶۴) در هنگام تجاوز مغول به عراق به آنها نزدیک شده و آنان را یاری داده است. نسل بعدی این خاندان با ابن فوطی آشنایی داشتند. رضی الدین علی پسر رضی الدین علی بن موسی (ت ۷۱۱) در سال ۷۰۴ همراه ابن فوطی به درگاه سلطان اولجایتو سفر کرد و در طول مسیر به همدان نیز رفتند.^{۱۲۹} علاوه بر این در سال ۷۰۷ نیز این دو در اردوی اولجایتو باهم بودند.^{۱۳۰} چنان‌که خود ابن فوطی ذکر می‌کند با پسر عموی رضی الدین، غیاث الدین عبدالکریم بن جلال‌الدین احمد (ت ۶۹۳)، مشهور به نویسنده فرحة الغری در بغداد زندگی می‌کرده است.^{۱۳۱} پسر عموی رضی الدین و غیاث الدین، قوام‌الدین احمد بن عزالدین الحسن (ت ۷۰۴) نیز تجربه دیدار با ابن فوطی را در حله داشته است.^{۱۳۲} همان گونه که از این نمونه‌ها آشکار است، ابن فوطی با آل طاووس دوستی بسیار داشت. او در زمان اولجایتو برای اولین بار به درگاه ایلخانی نزدیک شد و این ارتباط با آل طاووس، قطعاً در این نزدیکی نقش مهمی ایفا کرده است. مسلماً پس از شیعه شدن اولجایتو اهمیت این ارتباط بیشتر شده است.^{۱۳۳}

در آخر باید به فخرالمحققین محمد حلی (ت ۷۷۱)، پسر علامه حلی

از مجرای این شرح حال‌ها، فعالیت‌های این گروه‌ها و نیز طرز تلقی ابن فوطی در خصوص آنها روشن می‌شود.

ابن فوطی در مجمع الآداب تمایل چندانی به تصریح مذهب صاحب شرح حال نشان نداده است. در اینجا تمرکز بحث را بر شیعیان قرار داده‌ایم. پرواضح است که متنفذترین و نزدیک‌ترین شیعه به ابن فوطی نصیرالدین طوسی بوده است. او مردی بود که ابن فوطی را دوباره به صحنه روشن‌فکران برد و به دولت ایلخانی نزدیک کرد. بیش از همه به لطف او ابن فوطی توانست از کتاب‌های کتابخانه رصدخانه مراغه استفاده کند. ذهبی نصیرالدین طوسی را یکی از استادهايش می‌داند.^{۱۳۱}

پس از بازگشت به بغداد ابن فوطی شروع به ملاقات با شخصیت‌های معتبر شیعه کرد. یکی از آنها بهاء‌الدین اربلی (ت ۶۹۲) معروف به نویسنده کشف الغمه بود. بر مبنای دو شرح حال در مجمع الآداب مشخص می‌شود که ابن فوطی مدتی در خدمت او بوده است.^{۱۳۲} در هیچ یک از این دو شرح حال اشاره‌ای به زمان و مکان این ارتباط نشده است، اما بر اساس مندرجات کتاب الحوادث می‌دانیم که اربلی از سال ۶۵۷ در خدمت عظاملک جوینی در بغداد بوده است.^{۱۳۳} پس احتمالاً ابن فوطی وی را در بغداد ملاقات کرده است. ابن فوطی در مجمع الآداب سه بار از کتاب وی التذکرة الفخریة و چهار بار از اطلاعات شفاهی که از او گرفته است به عنوان مرجع استفاده کرده است.^{۱۳۴}

متکلم شیعی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی معروف به ابن میثم بحرانی (ت بعد از ۶۸۷) نیز با ابن فوطی ارتباط علمی داشته است:

قدم مدینة السلام، و جالسته و سألته عن مشایخه فذکر انه قرأ علی جمال الدین [علی بن] سلیمان البحرانی، و طلب منی رسالته التي كتبها إلى حضرة مولانا نصیرالدین فکتبتها له و صنف و كتب نهج البلاغة من کلام أمير المؤمنين علیه السلام، کتبت عنه.^{۱۳۵}

در این شرح حال بیان شده که ابن فوطی در بغداد برای ابن میثم از یکی از رسایل تألیفی نصیرالدین طوسی نسخه‌ای تهیه کرده است. پس این ملاقات باید بعد از مراجعت ابن فوطی به بغداد، یعنی بعد از حدود

۱۲۱. ذهبی، کتاب تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۴۹۳.

۱۲۲. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۸۹-۹۰؛ ج ۴، ص ۲۲۶.

۱۲۳. نامعروف، کتاب الحوادث، ص ۳۷۱.

۱۲۴. استفاده از التذکرة الفخریة: مجمع الآداب، ج ۴، ص ۲۳۲؛ ص ۵۰۰-۵۰۱؛ ج ۵، ص ۱۲۲-

۱۲۳. اطلاع شفاهی: مجمع الآداب، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ ص ۴۴۴-۴۴۵؛ ج ۳، ص ۵۵۱-

۵۵۲؛ ج ۴، ص ۲۱۷.

۱۲۵. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۲۶۶.

۱۲۶. العویناتی، عبد الزهراء؛ ابن میثم البحرانی؛ حیات و آثاره؛ قم: مؤسسه تراث الشیعة، ۱۳۹۳، ص ۴۵-۴۶.

۱۲۷. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۱۲۸. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۱۰.

۱۲۹. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۴۵۲-۴۵۳؛ ج ۵، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۱۳۰. مجمع الآداب، ج ۴، ص ۱۹۷.

۱۳۱. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۴۴۲-۴۴۳.

۱۳۲. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۴۷۳-۴۷۴.

۱۳۳. طبق گفته رسول جعفریان، ابن فوطی عالم شیعی و مدرس مدرسه غازانیه، عزالدین الحسن بن علی بن ابی طالب واسطی را می‌شناخته است. در سال ۷۱۳، یعنی بعد از شیعه شدن اولجایتو، رشیدالدین فضل‌الله ابن مدرسه را تأسیس کرده است. (جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا طلوع دولت صفوی؛ تهران: نشر علم، ۱۳۸۸، ص ۶۹۳.

الهمة، اشتغل على عمه و والده وكان يلازم حضرة السلطان و هو والد المخدوم الأعظم رشيد الدين ابى الفضائل فضل الله بن أبى الخير، رأيت به مراغة عند أخيه أمين الدولة أبى شجاع بن عالى وكان جميل الأخلاق متودداً، التمس منى أن أكتب له كتاب «الزبدة الطبية» المجدولة سنة ست وستين وستمائة فكتبتها له.^{۱۳۷}

به طوری که هاشم رجب‌زاده اشاره می‌کند، ابن فوطی شرح حال پدر عمادالدوله، موفق الدوله عالی را هم نوشته است.^{۱۳۸} خود رشیدالدین مسلمان بود، ولی مشهور است که خانواده وی یهودی بوده‌اند.^{۱۳۹} قابل توجه است که ابن فوطی در هیچ یک از دو شرح حال، عمادالدوله و موفق الدوله آنها را یهودی یا اسرائیلی نخوانده است. ممکن است که وی برای پرهیز از آزدن رشیدالدین، عامدانه به اعتقاد دینی اجداد وی اشاره نکرده باشد.^{۱۴۰}

بعد از بازگشت به بغداد، ابن فوطی با دانشمند یهودی بزرگ در بغداد، ابن کمونه (ت ۶۸۳) و پسروی غرس الدوله ابوسعید آشنا شد. به این واقعت توسط پورجوادی و اشمیتکه اشاره شده است.^{۱۴۱} با آنکه آنها در مورد دین ابن کمونه این احتمال را مطرح کرده‌اند که شاید به اسلام گرویده باشد،^{۱۴۲} ابن فوطی او را یهودی دانسته است. در شرح حال ابن کمونه به مکاتبات ابن فوطی با وی اشاره شده^{۱۴۳} و نیز آمده است که وی مکرراً با غرس الدوله دیدار می‌کرد و تحت نظروى درس می‌خواند.^{۱۴۴}

سپس ابن فوطی در سال ۷۰۶ در تبریز و در سال ۷۱۶ در سلطانیه با دانشمندان یهودی دیدار کرد.^{۱۴۵} به جزاین موارد در زمان و مکانی نامعلوم او با یک شاعر یهودی، عفیف‌الدین فرج آشنا شده است.^{۱۴۶}

وجه مشترک آشنایان یهودی ابن فوطی این است که آنها حکیم یا طبیب بوده‌اند. ابن فوطی در مراغه زیر نظر نصیرالدین طوسی «علوم الاوائل» (علوم عقلی مانند فلسفه) می‌خواند.^{۱۴۷} حکمت و طب نیز

اشاره کرد. او شاگرد پدرش بود و چون سلطان اولجایتو به مذهب تشیع درآمد، با پدرش به درگاه وی دعوت شد.^{۱۳۴} ابن فوطی در بیان شرح حال فخرالمحققین بیان می‌کند که مکرراً به دیدار وی می‌رفته است. متأسفانه شرح حال پدر وی علامه حلی (جمال‌الدین) در جزء موجود مجمع الآداب نیست، ولی احتمالاً به سبب رفت و آمدهای ابن فوطی به اردوی اولجایتو و دیدارهای وی با فخرالمحققین، می‌توان حدس زد که ملاقات‌هایی میان ابن فوطی و پدر وی نیز صورت گرفته باشد.

ارتباطات ابن فوطی با شیعیان می‌تواند منعکس‌کننده وضع مذهبی آن روزگار باشد. شیعیانی همچون نصیرالدین طوسی، آل طاووس و علامه حلی به دولت ایلخانی نزدیک بودند و در درگاه ایلخانی، مراغه و بغداد قدرت فراوانی داشتند. در عین حال ابن فوطی نیز تمایلی داشت که به کانون‌های قدرت نزدیک شود. از این رو می‌توان گفت که نزدیکی وی به این شخصیت‌ها خالی از مقاصد سیاسی نبوده و بدین جهت وی در برقراری و استحکام این ارتباطات سعی فراوانی نموده است.

د) ابن فوطی و یهودیان

علی‌رغم کثرت تألیف آثار تراجم در تاریخ اسلام، تعداد کتاب‌هایی که مؤلفانشان با روشنفکران غیرمسلمان آشنایی داشته و تراجم آنان را در اثر خود ثبت کنند بسیار اندک است. همین امر می‌تواند بیانگر یکی از ویژگی‌های مجمع الآداب باشد. برخلاف سکوت نسبی ابن فوطی در خصوص تمایلات مذهبی صاحبان شرح حال‌ها، به پیروی آنان از ادیان دیگر مکرراً اشاره کرده است. در مجمع الآداب شرح حال یهودیان و مسیحیان دیده می‌شود و در اغلب موارد صفات «اسرائیلی» یا «نصرانی» در توصیف آنان نوشته شده است. در جزء موجود این کتاب، نمی‌توان شخص مسیحی معاصر با ابن فوطی را پیدا کرد،^{۱۳۵} ولی چند شرح حال از یهودیان معاصر با وی به چشم می‌خورد.

تعداد یهودیانی که با ابن فوطی آشنایی داشته و شرح حال آنان در کتاب موجود است هفت نفر هستند. تا آنجا که نویسنده بررسی کرده است، نخستین هنگامی که ابن فوطی با روشنفکران یهودی ارتباط برقرار کرد، دوران اقامت وی در مراغه بوده است. در آنجا او با منجم یهودی، منتجب الدوله داود^{۱۳۶} و حکیم و طبیب عمادالدوله ابوالخیر دیدار کرد. عمادالدوله پدر وزیر ایلخانیان، رشیدالدین فضل‌الله بود:

من البيت المعروف بالطب والحكمة وحسن المعرفة وبعد

۱۳۷. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۶۲.
۱۳۸. رجب‌زاده، هاشم؛ خواجه رشیدالدین فضل‌الله؛ تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۲۳ و مجمع الآداب، ج ۵، ص ۶۱۳.
۱۳۹. رجب‌زاده، هاشم، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۱۰۱-۱۰۵.
۱۴۰. طعنه به رشیدالدین مربوط به یهودیت، فی المثل طعنه قاشانی، مؤلف تاریخ اولجایتو مشهور است (ابوالقاسم عبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۵۴ و رجب‌زاده، هاشم، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۴۸).

141. Pourjavady, Reza & Schmidtke, Sabine, *A Jewish Philosopher of Baghdad: Izz al-Dawla Ibn Kammūna (d. 683/1284)*, Leiden & Boston: Brill, 2006, p. 127.

142. Pourjavady, Reza & Schmidtke, Sabine, *A Jewish Philosopher of Baghdad*, pp. 8-23.

۱۴۳. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۱۹۰.

۱۴۴. مجمع الآداب، ج ۲، ص ۴۰۹.

۱۴۵. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۶۰۷؛ ص ۵۹۶.

۱۴۶. مجمع الآداب، ج ۱، ص ۴۶۴.

۱۴۷. نصیرالدین نیز با این کمونه ارتباط علمی برقرار کرده بود. Pourjavady, Reza & Schmidtke,

۱۳۴. مجمع الآداب، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ ابوالقاسم عبدالله قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۰۱. سالی که فخرالمحققین به پیش اولجایتو دعوت شد، طبق گفته ابن فوطی سال ۷۱۰ و طبق گفته قاشانی سال ۷۰۹ است.

۱۳۵. برحسب نمایه محمد کاظم، ویراستار مجمع الآداب چاپ تهران، در این کتاب اقلاً چند شرح حال از نصرانیان یا مسیحیان وجود دارد: مجمع الآداب، ج ۶، ص ۴۸۰، ۵۰۹، ولی معاصر با ابن فوطی نیست.

۱۳۶. مجمع الآداب، ج ۵، ص ۵۰۹.

ارتباط‌ها مسیر دیدار با رشیدالدین فضل‌الله و تقرب در درگاه اولجایتو برای وی هموار شد. فی الجمله می‌توان گفت که ابن فوطی ویژگی‌های علمی دو جامعه عباسی و ایلخانی را باهم داشته و همین دوگانگی امکان ارتباطات متنوع‌تری را برای او فراهم نموده و ارزش، اهمیت و کثرت اطلاعات مندرج در مجمع‌الآداب را فراوان‌تر و بالاتر برده است. در پایان از دوستان عزیز و ارجمند سرکار خانم دکتر فریناز اطمینان و سرکار خانم محیا شعبی که فارسی این مقاله را اصلاح کردند، بسیار سپاسگزارم.

This work was supported by the Konosuke Matsushita International Scholarship grant number 13-A10.

کتابنامه

- ابن رجب؛ کتاب ذیل علی طبقات الحنابلة؛ تصحیح محمد حامد فیقی؛ ج ۲، قاهره: مطبعة السنة المحمدية، ۱۹۵۲-۵۳ م.
- ابن شاکر کتبی؛ فوات الوفيات؛ تصحیح احسان عباس؛ ج ۵، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۳-۷۴ م.
- ابن عماد؛ شذرات الذهب فی اخبار من ذهب؛ تصحیح عبدالقادر الزناؤوط و محمود الزناؤوط؛ ج ۱۰، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۹۸۶-۹۳ م.
- ابن عنبة؛ عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب؛ تصحیح السیدمهدی الرجائی؛ قم: مکتبه سماحة آية الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، ۱۳۸۳ ش.
- همو؛ عمدة الطالب الصغری فی أنساب آل أبي طالب؛ تصحیح السیدمهدی الرجائی؛ قم: مکتبه سماحة آية الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، ۱۳۸۷ ش.
- همو؛ الفصول الفخرية؛ تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
- ابن فوطی؛ تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم الالقاب؛ تصحیح مصطفی جواد؛ ج ۴، دمشق: وزارة الثقافة و ارشاد القومي، ۱۹۶۲-۶۷ م.
- همو؛ مجمع‌الآداب فی معجم الالقاب؛ ج ۶، تصحیح محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- ابن قاضی شبهه؛ تاریخ ابن قاضی شبهه؛ تصحیح عدنان درویش؛ ج ۵، دمشق: المعهد العلمي الفرنسي للدراسات العربية، ۱۹۷۷-۹۷ م.
- ابن کازرونی؛ مختصر التاريخ؛ تصحیح مصطفی جواد؛ بغداد: دار اقرأ، ۱۹۹۱ م.
- ابن کثیر؛ البداية والنهاية؛ تصحیح عبدالقادر الزناؤوط؛ ج ۲۰، بیروت: دار ابن کثیر، ۲۰۱۰ م.
- ابوقاسم عبدالله قاشانی؛ تاریخ اولجایتو؛ تصحیح مهین همبلی؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ ش.
- تاج‌الدین السبکی؛ الطبقات الشافعية الكبرى؛ تصحیح محمد محمود طنحی و عبدالفتاح محمد حلو؛ ج ۱۰، [مصر]: دار احیاء الکتب العربية، ۱۹۶۴ م.
- ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ تصحیح عمر عبدالسلام تدموری؛ ج ۵۵، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۹۸۷-۹۹ م.
- همو؛ کتاب تذکرة الحفاظ؛ تصحیح وزارة المعارف للحکومة العالیة الهندیة؛ ج ۴، حیدرآباد: دایرة المعارف العثنانية، ۱۹۵۶-۵۸ م.
- همو؛ معجم الشيوخ؛ تصحیح عبدالرحمن السیوفی؛ بیروت: دارالکتب العلمیة،

در زمره علوم الاوائل قرار می‌گیرند و یهودیان در این حوزه فعال بودند. این امر در خصوص ابن کمونه و غرس الدوله بسیار واضح است. رشیدالدین فضل‌الله نیز قبل از مسلمان شدن، چنان که آشکار است، به عنوان طیب مشهور بود. بنابراین می‌توان گفت که در دوره ایلخانی این زمینه علمی حوزه‌ای مشترک و بین‌الادیانی بوده و ابن فوطی به علت فعالیت در این حوزه با دانشمندان یهودی بسیاری دیدار کرده و آشنایی یافته است.

سخن آخر

ابن فوطی حیات پر حادثه‌ای داشته و روزگار پراضطرابی را از سرگذرانده است. مسافرت‌های او که گاهی برخلاف اراده خودش بود، باعث گسترش شبکه ارتباطات وی شده است. مجمع‌الآداب متنی سرشار از تجربیات و دانش‌های وی است. ابن فوطی برای تألیف این کتاب تلاش کرد تا شرح حال چهره‌های مهم و بزرگان را در بازه‌ای گسترده از پیش از اسلام تا دوران معاصر خود به رشته تحریر درآورد و بدین منظور هر چه بیشتر به کتاب‌ها مراجعه کرد. موفقیت وی در تحقق این هدف با نگاهی به تنوع زمانی صاحبان شرح حال‌ها و فراوانی مراجع و منابع وی آشکار می‌گردد.

در عین حال فعالیت او و محتوای مجمع‌الآداب از احوال و محدودیت‌های معاصر مؤلف تأثیر پذیرفته است. احتمالاً در نتیجه روی کار آمدن دولت ایلخانی، بعد از نیمه قرن هفتم کتبی که در شام و مصر تألیف شده بود، به ندرت در عراق و ایران در دسترس مخاطبان قرار داشت و ابن فوطی نمی‌توانست از آن کتاب‌ها استفاده کند. پس تمرکز اثر وی در خصوص اشخاص قرن هفتم و پس از آن به قلمروی دولت ایلخانی محدود شده است. از طرف دیگر به علت اینکه غیر از بغداد، مراکز علمی جدیدی مثل مراغه، تبریز و سلطانیه تحت حکومت ایلخانی توسعه یافتند، اطلاعات سیاسی و علمی مربوط ایران را فراوان و مفصل نوشته است.

فعالیت علمی ابن فوطی آینه‌ای از اوضاع فرهنگی دولت ایلخانی است. می‌توان دو جنبه مهم را در فعالیت‌های او مشخص کرد: فعالیت وی به عنوان راوی حدیث، یعنی روایت احادیث خلیفه مستعصم، و شرکت در اجازه‌نامه گروهی که بدون شک از اوضاع بغداد در اواخر دولت عباسی اثر پذیرفته است. به عبارت دیگر محیط علمی خانواده او و شرایط شهر بغداد و تحصیل او تا سقوط بغداد به او فرصت این فعالیت‌ها را داد، اما گرایش دیگر یعنی نزدیک شدن او به دانشمندان شیعی و یهودی بعد از سقوط بغداد، ظاهراً نتیجه حضور در جامعه ایلخانی بوده است. ابن فوطی احتمالاً هم برای تحصیل علم و هم برای مقصودهای سیاسی با آنها ارتباط برقرار کرده بود. در نتیجه این

- Bauden, Frederic, "Les Tabariyya: Histoire d'une importante Famille de la Mecque (fin XIIIe-fin XVe s.)," in *Egypt and Syria in the Fatimid, Ayyubid and Mamluk Eras: Proceedings of the 1st, 2nd and 3rd International Colloquium organized at the Katholieke Universiteit Leuven in May 1992, 1993 and 1994*, U. Vermeulen & D. de Smet (eds.), Leuven: Utigeverij Peeters, 1995, pp. 253-266.
- Chamberlain, Michael, *Knowledge and Social Practice in Medieval Damascus, 1190-1350*, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.
- DeWeese, Devin, "Cultural Transmission and Exchange in the Mongol Empire: Notes from the Biographical Dictionary of Ibn al-Fuwaṭī," in *Beyond the Legacy of Genghis Khan*, ed. Linda Komaroff, Leiden & Boston: Brill, 2006, pp. 11-29.
- Elias, Jamal J, "The Sufi Lords of Bahrabad: Sa'd al-Din and Sadr al-Din Hamuwayi," *Iranian Studies*, 27, 1-4, 1994, pp. 53-75.
- Gilli-Elewy, Hend, *Baghdad nach dem Sturz des Kalifats: Die Geschichte einer Provinz unter ilhānischer Herrschaft (656-735/1258-1335)*, Berlin: Klaus Schwarz Verlag, 2000.
- idem, "Al-Hawādīṭ al-ḡāmi'a: A Contemporary Account of the Mongol Conquest of Baghdad, 656/1258," *Arabica*, 58, 2011, pp. 353-371.
- Hartmann, Angelika, *an-Nāṣir li-Dīn Allāh (1180-1225): Politik, Religion, Kultur in der späten 'Abbāsidenzeit*, Berlin & New York: Walter de Gruyter, 1975.
- Krawulsky, Dorothea, *The Mongol Ilkhāns and Their Vizier Rashīd al-Dīn*, Frankfurt am Main et al: Peter Lang, 2011.
- Melville, Charles, "Pādshāh-i Islām: The Conversion of Sultan Maḥmūd Ghāzān Khān," in *Pembroke Papers 1*, ed. Charles Melville, Cambridge: University of Cambridge, 1990, pp. 159-177.
- Mizukami, Ryo, "The Group Ijāza Referred to by Ibn al-Fuwaṭī in the Late 13th Century: Connection between the scholarly communities in Baghdad, Damascus and Mecca" (in Japanese), *Orient* (published in Tokyo), 57-1, 2014, pp. 62-72. (水上遼「イブン・アル＝フワティエーの伝える13世紀後半の集団イジャーザ：バグダード・メッカ間およびバグダード・ダマスカス間の事例から」『オリエント』)
- Moriyama, Teruaki, "The Establishment of the Islamic Knowledge and Changes in its Proliferation: The Case of Nishapur between the 10th and 12th Centuries" (in Japanese), *Shigakuzasshi* (published in Tokyo), 113-8, 2004, pp. 1-33. (森山央朗「イスラーム的知識の定着とその流通の変遷：10-12世紀ニーシャーポールを中心に」『史学雑誌』)
- idem, "Travels for Knowledge: The Logic of the Importance of Hadith Scholars' Travels" (in Japanese), in *Movement and Network in History*, ed. Metropolitan Historical Association, Tokyo: Sakurai Shoten, 2007, pp. 83-115. (森山央朗「知識を求める移動：ハディース学者の旅の重要性の論理」メトロポリタン史学会(編)『歴史のなかの移動とネットワーク』桜井書店)
- Robson, James, "Standards Applied by Muslim Traditionists," *Bulletin of the John Rylands Library Manchester*, 43, 1960-61, pp. 459-479.
- van Ess, Josef, "Şafadī-Splitter: Teil 2," *Der Islam*, 54, 1977, pp. 77-108.
- Weissman, Keith, "Mongol Rule in Baghdad: Evidence from the Chronicle of Ibn al-Fuwaṭī: 656 to 700 A.H./ 1258 to 1301 C.E.," unpublished Ph.D dissertation, The University of Chicago, 1990.

۱۹۹۰ م.

همو؛ المعجم المختص بالمحدثين؛ تصحيح محمد الجيب الهيلة؛ الطائف؛ مكتبة الصديق، ۱۹۸۸ م.

رشيد الدين فضل الله؛ جامع التواريخ؛ تصحيح محمد روشن؛ ج ۴، تهران؛ نشر البرز، ۱۳۷۳ ش.

صفدى؛ اعيان العصر واعوان النصر؛ تصحيح على ابوزيد وغيره؛ ج ۶، بيروت؛ دار الفكر المعاصر، ۱۹۹۸ م.

همو؛ كتاب الوافي بالوفيات؛ تصحيح احمد الاناؤوط و تذكي مصطفى؛ ج ۳۰، بيروت؛ دار احياء التراث العربى، ۲۰۰۰ م.

علاء الدين عطا ملك جوينى؛ تاريخ جهانگشاي جوينى؛ تصحيح محمد قزوینی؛ به اهتمام احمد خاتمی؛ ج ۳، تهران؛ نشر علم، ۱۳۸۷ ش.

غياث الدين هبة الله ابن حمويه؛ مراد الميريدین؛ تصحيح سيدعلی اصغر ميرباقری فرد؛ تهران؛ مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران. دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۹ ش.

مجیرالدین العلیمی؛ المنهج الاحمد فی تراجم اصحاب لامام احمد؛ تصحيح عبدالقادر الاناؤوط و محمود الاناؤوط؛ ج ۶، بيروت؛ دار صادر، ۱۹۹۷ م.

محمد بن احمد فاسی؛ العقد الثمين فی تاريخ البلد الامين؛ تصحيح محمد حامد الفیقي؛ ج ۸، بيروت؛ مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۶-۸۷ م.

محمد بن رافع سلامی؛ تاريخ علماء بغداد مسمى منتخب المختار؛ تصحيح عباس العزاوی؛ بيروت؛ الدار العربية الموسوعات، ۲۰۰۰ م.

نامعروف (یا نسبت داده به ابن فوطی)؛ كتاب الحوادث؛ تصحيح بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف؛ بيروت؛ دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۷ م.

هندوشاه بن سنجر نخجوانی؛ تجارب السلف؛ تصحيح عباس اقبال؛ چاپ ۳، تهران؛ کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷ ش.

ابراهیم، محمد؛ تاريخ کرمان؛ تهران؛ نشر علم، ۱۳۸۵ ش.

جعفریان، رسول؛ تاريخ تشيع در ايران؛ از آغاز تا طلوع دولت صفوی؛ تهران؛ نشر علم، ۱۳۸۸ ش.

همو؛ مراغه؛ كانون تمدنی عصر ايلخانی؛ پژوهشی بر پایه كتاب مجمع الآداب فی معجم الالقباب ابن فوطی؛ پژوهش های علوم تاريخی، ۱-۲، ۱۳۸۸ ش. ص. ۳۹-۶۹.

الدیلمی، زکيه حسن ابراهيم؛ المورخ البغدادي ابن الفوطی و كتابه؛ التلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقباب؛ بغداد؛ عاصمة الثقافة العربية، ۲۰۱۳ م.

رجب زاده، هاشم؛ خواجه رشيدالدين فضل الله؛ تهران؛ طرح نو، ۱۳۷۷ ش.

سلمان، حمود مضعان عیال؛ ابن الفوطی مؤرخا، عمان؛ وزارة الثقافة، ۲۰۱۴ م.

الشيبی، محمدرضا؛ مورخ العراق ابن الفوطی؛ ج ۲، بغداد؛ مطبعة تفيض، ۱۹۵۰ م.

العويناتی، عبدالزهراء؛ ابن ميثم البحرانی؛ حياته و آثاره؛ قم؛ مؤسسة تراث الشیعة، ۱۳۹۳ ش.

مدرس رضوی، محمدتقی؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی؛ تهران؛ اساطیر، ۱۳۷۰ ش.

منابعی که در مجمع الآداب پنج بار و بیشتر نقل شد.

محلۀ فعالیت	وفات	نویسنده	مبلغ	نقل عدد	منبع عنوان
بغداد	۲۰۴ یا ۲۰۶	هشام بن ممد ابن کلیبی	۱۵	۱۴	جمهرة النسب (یا، انساب)
				۱	[بی اطلاع]
بغداد	۲۳۰	ابن سعد	۸	۸	الطبقات (کتب الطبقات الکبیر)
خراسان؟	قرن ۳	[سلامی؟]	۵	۵	تاریخ خراسان (التاریخ فی اخبار ولاة الخراسان)
بغداد	۳۳۵	ابوبکر محمد صولی	۱	۱۲	کتاب الاوراق
				۲	کتاب
				۴	[بی اطلاع]
خراسان	۴۰۵	حاکم نسیابوری (ابن یعی)	۶	۶	تاریخ نسیابور
خوارزم، خراسان	۴۲۹	ابومنصور ثعلبی	۱۳	۱۰	تتمة الیتیمه
				۱	یتیمه الدهر
				۱	شعراء شام
				۱	کتاب ثمار القلوب فی المضاف المندوب
اصفهان	۴۲۰	ابونعیم اصفهانی	۵	۳	معرفة الصحابة
				۲	تاریخ اصفهان
بغداد	۴۴۸	هلال بن المحسن ابن صابی	۱۰۹	۱۰۲	تاریخ
				۶	کتاب الوزراء
				۱	نقباء الدیلم
بغداد	۴۶۳	ابن عبد البر نمری	۸	۸	استیعاب
بغداد	۴۶۳	خطیب بغدادی	۱۱	۱۱	تاریخ بغداد
خراسان	۴۶۷	باخرزی	۸	۸	دمية القصر و عصره اهل العصر
بغداد	۴۷۵	ابن ماکولا	۵	۴	الاکمال
				۱	[بی اطلاع]
همدان، بغداد، قدس	۵۰۷	[ابن قیسرانی]	۶	۶	کتاب الاقبا
همدان	۵۲۱	ابن همدانی	۳۰	۲۸	تاریخ [تکملة تاریخ الطبری]
				۱	عنوان السیر
				۱	[بی اطلاع]
نیشابور، خوارزم، هند	۵۲۹	عبدالغافر فارسی	۶	۶	السیاق لتاریخ نسیابور
دمشق	۵۵۵	[ابن قلاتسی]	۶	۶	تاریخ الشام (ذیل تاریخ دمشق)
خراسان، بغداد	۵۶۲	ابوسعید عبدالکریم سمعانی	۴۶	۳۰	المذیل (یا، تاریخ) (ذیل تاریخ بغداد)
				۲	کتاب
				۱	شیوخه
				۱۳	[بی اطلاع]
مصر	۵۶۳	الرشید احمد بن علی بن الزبیر	۷	۷	جنان الجنان و ریاض الازهان
خراسان	۵۶۵	ابوالسن بیهقی (ابن فندق)	۱۷	۹	تاریخ بیهقی (یا، تاریخ)
				۱	مشارب التجارب
				۲	وشاح دمیه القصر (یا، وشاح)
				۱	کتاب
				۴	[بی اطلاع]

منبع عنوان	نقل عدد	مبلغ	نویسنده	وفات	محل‌های فعالیت
مجموعه	۵	۷	ابومحمد عماره یمنی	۵۶۹	یمن، مصر
تذکره	۱				
فرحة الانفس فی اخبار الاندلس (یا، تاریخ)	۱۱	۱۲	ابن غالب	۵۷۱	اندلس
[بی اطلاع]	۱				
تاریخ دمشق	۴۵	۴۵	ابن عساکر	۵۷۱	شام
تاریخ میافارقین	۲	۵	احمد بن یوسف فارقی	بعد از ۵۷۷	عراق؟
تاریخ دیار بکر	۲				
تاریخ	۱				
معجم السفر	۷۱	۱۰۷	ابوطاهر احمد سلفی	۵۷۶	بغداد
کتاب	۱۸				
[بی اطلاع]	۱۸				
خریدة القصر و جريدة اهل العصر	۷۱	۱۲۸	عماد الدین اصفهانی	۵۹۷	مصر، شام
برق الشامی	۱۳				
سرة الفتره و عصرة الفطرة	۷				
الوزراء	۲				
الفتح الاندلسی فی الفتح القدسی	۲				
کتاب	۱۱				
[بی اطلاع]	۲۲				
کشف النقاب عن الاسماء و الالقاب	۲۰	۳۳	ابن جوزی	۵۹۷	بغداد
المنتظم (یا، تاریخ)	۶				
الحسبة	۱				
ذم الهوی	۱				
مشیخة	۱				
کتاب	۳				
[بی اطلاع]	۱				
تاریخ	۱۷	۱۷	قثم بن طلحة زینبی	۶۰۷	عراق
تاریخ تکریت (یا، تاریخ)	۳۰	۳۹	تاج الدین یحیی تکریتی	۶۱۶	بغداد، تکریت، موصل
الاختصاص فی التاریخ الخاص	۶				
[بی اطلاع]	۳				
معجم الادباء	۳۰	۴۳	یاقوت حموی	۶۲۶	بغداد و غیره
معجم البلدان	۴				
معجم الشعراء	۱				
تاریخ	۱				
کتاب	۲				
[بی اطلاع]	۵				
تاریخ (الکامل فی التاریخ)	۵	۵	ابن اثیر	۶۳۰	موصل
معادن الذهب فی تاریخ حلب	۳	۵	ابن ابی طی	حدود ۶۳۰	حلب
البوستان فی محاسن الغلمان	۱				
مشیخة	۱				
الجمع المبارك و النفع المشارک	۱۰	۱۱	صائن الدین ابورشید بن الغزال اصفهانی	۶۳۱	اصفهان، خوارزم، بخارا

منبع عنوان	نقل عدد	مبلغ	نویسنده	وفات	محلۀ فعالیت
[بی اطلاع]	۱				
حدائق الاحداق	۶	۶	ابن خاصی	۶۳۴	بغداد، مصر
تاریخ اربل	۹	۹	ابن مستوفی	۶۳۷	عراق
تاریخ (ذیل تاریخ بغداد)	۱۴۲	۱۸۹	ابن دبیتی	۶۳۷	بغداد
تاریخ واسط	۲				
[بی اطلاع]	۴۵				
تاریخ (ذیل تاریخ بغداد)	۱۲۴	۱۴۷	ابن نجار	۶۴۳	بغداد
غلام رومی	۱				
[بی اطلاع]	۲۲				
وزراء الدولة العصرية فی الدولة القصرية	۳	۵	ابن قفطی	۶۴۶	شام
کتاب	۱				
[بی اطلاع]	۱				
مشيخة	۷	۹	اسماعيل بن ابراهيم بن الخير	۶۴۸	عراق
[بی اطلاع]	۲				
عقود الجمال فی شعراء الزمان	۳۵	۹۲	ابن شعار	۶۵۴	شام، عراق
تحفة الكبراء	۱۲				
کتاب	۲۵				
[بی اطلاع]	۲۰				
مجموعه	۱	۲۱	نصرالدين طوسی	۶۷۲	ایران، بغداد
روایات مستقیم	۲۰				
تاریخ	۱۳۸	۱۹۴	ابن ساعی (ابن انجب)	۶۷۴	بغداد
الروض الناصر فی اخبار الامام الناصر	۱۱				
لطائف المعانی فی شعراء زمانی	۱۱				
کتاب الاقتفاء المذیل علی طبقات الفقهاء	۶				
کتاب نزهة الابصار فی معرفة النقباء الاثار	۲				
مشيخة	۲				
بغية القاصدين فی معرفة القضاة و المعدلين	۱				
معلم الانابکی	۱				
[بی اطلاع]	۲۱				
تاریخ	۱	۸	ابن بلجی	۶۸۳	بغداد
مشيخة	۴				
[بی اطلاع، یا روایت مستقیم]	۳				
مشجر	۳۱	۵۱	ابن مهنا	نصف دوم قرن ۷	عراق
وزراء الوزارة	۳				
الطرف الحسان من اعیان الان	۱				
مشجرة جامعه الانساب بنوهاشم و قريش و غیرهم	۱				
[بی اطلاع، یا روایت مستقیم]	۱۵				
تاریخ	۳۹	۳۹	ابن قطیعی	نصف دوم قرن ۷	عراق
معجم شیوخ	۴	۵	جمال الدين ابوبكر احمد بن علي بن ابوالبدر قلانسی	بعد ۶۹۰	عراق

منبع عنوان	نقل عدد	مبلغ	نویسنده	وفات	محل‌های فعالیت
[نامه؟]	۱				
کتاب التذکره الفخریه	۳	۷	بهاء الدین ابوالحسن علی بن عیسی اربلی	۶۹۲ یا ۶۹۳	بغداد
[بی‌اطلاع، یا روایت مستقیم]	۴				
کتاب	۷	۱۳	منه‌ج الدین محمد نسفی	۶۹۳	بغداد
[بی‌اطلاع، یا روایت مستقیم]	۵				
تاریخ	۲۰	۲۳	ظہیر الدین ابو علی ابن کازرونی	۶۹۷	عراق
[بی‌اطلاع، یا روایت مستقیم]	۳				
فوائد	۱۳	۱۳	عزالدین عمر بن علی بن دہجان بصری	قرن ۷	عراق
معجم الشیوخ	۲۰	۳۰	صدرالدین حموی جوینی	۷۳۰	عراق
کتاب الاربعینات	۱				
[بی‌اطلاع، یا روایت مستقیم]	۹				

منابعی که چهار بار و کم تر مورد ارجاع قرار گرفته‌اند و به اسم آن کتاب اشاره شد:

۴ بار: ابوعبدالله مصعب بن عبدالله زبیری، انساب قریش؛ عطا ملک جوینی، جهان‌گشای؛ جمال الدین علی بن ظافرزدی مصری، بدائع البدائہ؛ کمال الدین احمد ابن عزیز مراغی، مشیخہ؛ ابن قطاع، الدرر الخطیره من اشعار الجزیرہ؛ حمیدی، تاریخ (۳)، الجذوة (۱)؛ ابومحمد عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری، کتاب (۳)، رسالہ (۱)؛ رشیدالدین فضل‌الله ہمدانی، تاریخ، یا جامع التواریخ.

۳ بار: ابوقاسم الحسن بن بشر بن یحیی آمدی، کتاب المثلث والمختلف من اسماء الشعراء؛ ابن خشاب، القاب الائمة الاثني عشر؛ الزبير بن بكار اسدی قرشی، نسب قریش؛ ابن حنظلة، تاریخ؛ ابن خاقان، کتاب القلائد العقیان؛ ناشناخته، الاندلس؛ کمال الدین ابوقاسم عمر بن احمد بن ابوجرادہ حلبی، تاریخ [تاریخ حلب] (۲)، بی‌اطلاع (۱)؛ ابن قططقی، کتاب الغیات (۱)، روایت مستقیم (۲)؛ ابن عباس، تفسیر.

۲ بار: مسکویه، تجارب الامم؛ ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبہ دینوری، المعارف؛ ابونصر فامی، تاریخ ہرات؛ ابن بشکوال، تاریخ؛ ابوعبیدہ معمر المثنی، کتاب مقاتل الفراسان؛ افضل الدین قاضی اہل، تاریخ (تاریخ نصرت الدین پیشکین)؛ محمد بن حبیب، کتاب النسب؛ شمس الدین ابوالعلاء فرضی بخاری، اسماء، و بی‌اطلاع؛ تاج الدین (۴)، کتاب ولایت خوزستان؛ تاج الدین (۴)، قلائد الذریۃ فی مدائح المستعصمیۃ؛ عمادالدین ابوطاھر عبدالسلام بن ابوالربیع حنفی شیرازی، کتاب، و کتاب صنوان الروایۃ؛ مجدالدین اسعد بن ابراھیم نیشابوری اربلی، کتاب المذاکرۃ فی القاب الشعراء، و بی‌اطلاع؛ نظام الدین محمد بن الحسن، اخبار الوزراء السلجوقیۃ، و بی‌اطلاع.

۱ بار: عبدالله بن المبارک سیبکی، تشریف اهل الاعاصر بمرویات الامام الناصر؛ عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراھیم شافعی دمشقی، الروضینۃ فی اخبار الدولتینۃ؛ ابوعبدالله القطار، طبقات اهل شیراز؛ ابوعلی احمد بن محمد بردانی، تاریخ؛ ابوبکر محمد بن الحسن زبیدی، طبقات النحویین؛ ابوالفضل عبدالعزیز بن ابوالصلۃ مغربی، دیوان؛ ابوفرغ علی بن الحسن اصفہانی، کتاب ادباء الغرباء؛ ابوالفرج المعافاۃ بن زکریا نحروانی، کتاب الجلیس؛ ابوالفتوح عبدالسلام بن یوسف تناخی، کتاب انموذج الاعیان؛ ابوالحسن علی بن البسام اندلسی، کتاب الذخیرۃ؛ ابوالحسن علی بن محمد بن ابوالسرور بن عبدالعزیز روحی، کتاب بلغۃ الظرفاء فی تاریخ الخلفاء؛ ابوالحسین علی بن القطاع، کتاب الذخیرۃ فی محاسن اهل الجزیرۃ؛ ابوعیسی محمد بن عیسی بن سورۃ ترمذی، الجامع الصحیح؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ؛ ابوالموسی خازمی، العکلی؛ ابوالقاسم سمنانی، استظہار فی معرفۃ الدول والخبار؛ ابوسعد آبی، تاریخ الری؛ ابوالصلۃ الامیۃ بن عبدالعزیز مصری، الحدیقۃ؛ ابوالشیخ ابن حیّان اصفہانی، کتاب طبقات المخدثین باصفہان؛ ابوطاھر احمد بن ابوالقاسم، کتاب جامع الفضائل؛ ابوعبیدہ

بن سلام، کتاب الانساب؛ ابویحیی زکریا بن احمد النسابة، کتاب الالقب؛ ابن الحتارۃ، کتاب الفلک المعانی؛ ابویوسف محاسن بن سلامۃ ابن خلیفۃ حرانی، تاریخ حران؛ ابوزید عمر بن شبۃ نمیری، کتاب العمراء المدینۃ؛ عبدالسمیع بن عبدالصمد ہاشمی، مشجور؛ علی بن محمد مدائنی، کتاب؛ بہاء الدین محمد بن حمدون، تذکرۃ؛ غیث بن علی، تاریخ صور؛ ابن صصری، معجم شیوخ؛ ہبۃ اللہ بن شنیف کتبی، تاریخ؛ عمادالدین ابودوالفقار محمد بن الاشرف حسینی، مشیخہ؛ عمادالدین اسماعیل بن ہبۃ اللہ بن باطیش موصلی، کتاب؛ امام الدین رافعی، مشیخہ؛ جمال الدین قہستانی، تاریخ قہستان؛ ابن العدیم، کتاب؛ خلیفۃ بن خیاط، کتاب؛ مسیر الشمس، الافاق؛ نسائی، تاریخ خوارزم شاہ؛ ابن علوان، کتاب؛ مہذب الدین ابوالثناء محمود بن یحیی شیبانی حلی، کتاب شفاء الغلۃ من شعر شعراء الحلۃ؛ محمد بن احمد ابیوردی، کتاب تذکرۃ الادب لاهل النسب؛ محمد بن سعد اصفہانی، کتاب؛ المفید محمد بن محمد بن النعمان، کتاب الارشاد؛ معین الدین ابوالفضل بن یحیی بن سلامۃ حصکفی، دیوان؛ مؤیدالدین ابوطالب محمد بن احمد بن علقمی، ثبت؛ مظفرالدین ابوالحسن علی خجندی، کتاب؛ نجیب الدین ابوالحسن علی بن علی بن منصور حائری خازن، مشیخہ؛ نورالدین علی بن عثمان، رسالۃ؛ رشیدالدین ابوالفضائل محمد بن احمد خالدی شبذی، مشیخہ؛ صدرالدین ساوی، کلام؛ شمس الدین المؤید خاصی کاتب صالحی، نواظل النواظل و حدائق الاحدق؛ تبریزی (۴)، تاریخ؛ تاج الدین (۴)، ذکر ملوک خوزستان؛ تاج الدین (۴)، المدائح الوزیریۃ؛ ابن بلدی، الجوهر المنتخب فی اخبار اهل العلم و الادب؛ ثابت بن سنان حرانی، تاریخ؛ عمر بن الخذر بن اللمش بن الدزمش، کتاب حلیۃ السریین فی خواص الدنیسریین؛ آمدی، کتاب؛ حظیری، زینۃ الدهر فی محاسن شعراء العصر؛ ناشناخته، ذو النسبین بین دحیۃ و الحسنین؛ اجالۃ المبتدی و فضالۃ المنتہی؛ دیوان القاضي بدیع الزمان طاھر بن یحیی النواوی؛ الکتاب العباسی فی اخبار المنصور؛ کتاب منہاج الطالبین فی معرفۃ نقباء العباسین؛ السیرۃ العباسیۃ؛ تاریخ الاسماعیلیۃ؛ تاریخ قبران؛ سیف الاسلام؛ النبد الابریزیۃ فی المدائح العزیریۃ.